

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی

دوره دوم - اجلاسیه دوم

۱۳۶۴ - ۱۳۶۵

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه بیست و یکم مهر ماه ۱۳۶۴

فهرست مندرجات :

(نتیجه استخراج آراء در مورد رأی تمایل مجلس به نخست‌وزیری جناب آقای مهندس موسوی)
۷ - تصویب کلیات لایحه واگذاری پرداخت حقوق و مزایای ماهانه وراث شهدای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
۸ - بحث پیرامون کلیات طرح الزام دولت به تدوین و تقدیم لایحه تعیین تکلیف سازمانهای وابسته به نخست‌وزیری.
۹ - پایان جلسه و تاریخ تشکیل جلسه آینده و دستور آن.

۱ - اعلام رسمیت جلسه و تلاوت آیاتی از کلام الله مجید.
۲ - بیانات قبل از دستور آقایان: دکتر عبدخدائی، میرزائی و قاضی زاده هاشمی.
۳ - تذکرات نمایندگان مجلس به مسؤولان اجرائی کشور به وسیله آقای رئیس.
۴ - رأی تمایل مجلس به نخست‌وزیری آقای مهندس میرحسین موسوی.
۵ - تصویب طرح استفساریه از تبصره ۱ ماده ۲ و ماده ۴ قانون اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۶ - تصویب کلیات لایحه بازپرداخت اوراق قرضه گسترش مالکیت واحدهای تولیدی.

جلسه ساعت هشت و پانزده دقیقه به ریاست آقای هاشمی رفسنجانی تشکیل شد

کجهر بعضکم لبعض ان تعبط اعمالکم و انتم لاتشعرون. ان الذین یغضون اصواتهم عند رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفرة واجر عظیم. ان الذین ینادونک من وراء الحجرات اکثرهم لایعقلون. ولو انهم صبروا حتی تخرج الیهم لکان خیراً لهم والله غفور رحیم.
(صدق الله العلی العظیم - حضار صلوات فرستادند
(از آیه ۱ الی ۶ سورة الحجرات)

سید محمد خامنه‌ای - آقای هاشمی من اخطار آئین نامه‌ای دارم.
۲ - بیانات قبل از دستور آقایان: دکتر عبد خدائی، میرزائی و قاضی زاده هاشمی
رئیس - سخنرانان قبل از دستور را دعوت کنید.
سید محمد خامنه‌ای - آقا! من اخطار آئین نامه‌ای دارم.
رئیس - وقتی که سخنران صحبت کرد اخطار کنید.
سید محمد خامنه‌ای - خواهش می‌کنم میکروفون شماره ۸ را باز کنید من صحبت کنم.
رئیس - باز نمی‌کنم.
منشی - سخنرانان قبل از دستور: آقای دکتر عبد خدائی نماینده مشهد، آقای میرزائی نماینده فلاورجان، آقای قاضی زاده هاشمی نماینده فریمان، احمدآباد، سرخس.
سید محمد خامنه‌ای - آقا، من اخطار دارم، می‌آیم پشت تریبون می‌گویم. یکی از نمایندگان - بگذارید اخطارشان را بگویند.
فؤاد کریمی - قبل از سخنرانی قبل از دستور که کسی اخطار نمی‌کند. خلخالی - فوقش اینست که می‌خواهد بگوید این آیات به نفع آقای موسوی است. سید محمد خامنه‌ای - (در حالیکه به طرف تریبون می‌آمدند) طبق آئین نامه هیأت رئیسه قسم خورده‌است که آئین نامه را عمل کند اجازه بدهید من تذکر بدهم.

۱ - اعلام رسمیت جلسه و تلاوت آیاتی از کلام الله مجید
رئیس - بسم الله الرحمن الرحیم. با حضور ۲۱۵ نفر جلسه رسمی است.
دستور جلسه را قرائت کنید.
منشی - بسم الله الرحمن الرحیم. دستور جلسه یکصد و هفتاد و نهم روز یکشنبه ۱۳۶۴/۷/۲۱ هجری شمسی مطابق با ۲۷ محرم الحرام ۱۴۰۶ هجری قمری.

۱ - رأی تمایل به نخست‌وزیری جناب آقای میرحسین موسوی.
۲ - گزارش کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی در خصوص طرح استفساریه از تبصره ۱ ماده ۲ و ماده ۴ قانون اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۳ - گزارش شور اول کمیسیون برنامه و بودجه در خصوص لایحه بازپرداخت اوراق قرضه گسترش مالکیت واحدهای تولیدی.
۴ - گزارش شور اول کمیسیون نهادهای انقلاب در خصوص لایحه واگذاری پرداخت حقوق و مزایای ماهانه وراث شهدای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
۵ - گزارش شور اول کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی در خصوص رد طرح الزام دولت به تدوین و تقدیم لایحه تعیین تکلیف سازمانهای وابسته به نخست‌وزیری.

۶ - گزارش شور اول کمیسیون برنامه و بودجه در خصوص لایحه اصلاح قانون استفاده از ساعات آزاد اساتید و مدرسین دانشگاهی و درآمد کارگاهها.

رئیس - تلاوت کلام الله مجید را شروع کنید.

اهوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین امنوا لاتقدموا بین یدی الله و رسوله واتقوا الله ان الله سمیع علیم. یا ایها الذین آمنوا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی ولاتجهروا له بالقول



آموزش عالی مجلس شورای اسلامی از دانشجویان قهرمان مصری که حاضر نیستند کشورشان تن به ذلت همکاری با اسرائیل را بدهد تشکر و تقدیر میکنم و از ساحت مقدس پروردگار پیروزی آنان را خواهانیم.

چون روز رأی گیری است به احترام آئین نامه مجلس در رابطه بانخست وزیر، نه له و نه علیه هیچ صحبتی ندارم نظر نمایندگان و ملت ایران را به چند نکته جلب میکنم:

۱ - یکی از اصول مهم قانون اساسی اصل ۷۶ است که حق تحقیق و تفحص را به مجلس شورای اسلامی می دهد ولی با کمال تأسف این اصل تاکنون پیاده نشده و بسیاری از نمایندگان محترم اطلاعی از مسائل حساس کشور ندارند برای نمونه یک موضوع را بیان می کنم در دی ماه سال ۵۷ بانک بین المللی ایران آن وقت چکی به مبلغ ۳۸۰ هزار دلار به نام یک نفر یهودی تبعه اسرائیل صادر می کند و حواله به یکی از بانک های خارجی میدهد ده روز بعد یهودی مزبور به بانک مراجعه میکند و بانک چک را رد میکند. همان یهودی سه سال بعد یعنی سال ۶۰ یک نفر هندی تبعه آمریکا را پیدا میکند بنام «ایسایا» و چک را به او حواله میدهد. هندی مزبور در رابطه با «بیانیه الجزایر» چک فوق را در دیوان داوری مطرح میکند و می گوید این مربوط به آبجویی بوده که من زمان شاه فروخته ام. دیوان داوری هم با همه تقلباتی که در چک مزبور وجود داشته ایران را محکوم به پرداخت ۳۸۰ هزار دلار می نماید. آیا «بیانیه الجزایر» برای آن نوشته شده که هر یهودی، حساب سوخته خود را به نام یک نفر آمریکائی بکند و از پول این ملت ستم دیده وصول نماید؟! آیا ما از آمریکا گروگان گرفته بودیم که بعد این چنین ظالمانه در گرو غارتگران جهانی قرار گیریم؟! وقت نیست تا از نظر حقوقی ثابت کنیم در رابطه با این چک قلابی چه خیانتی به ملت ایران شده است؟! نه بیانیه الجزایر حق داشته است غیر از مصوبه مجلس چیزی بنویسید و نه دیوان داوری حق دارد که این حساب سوخته ها را به عنوان مشمول مفاد بیانیه مطرح کند. من به عنوان نماینده ملت با فریاد «سرگ بر آمریکا» رأی دیوان را پاره میکنم (در این هنگام برگ رأی دیوان به وسیله آقای عبد خدائی پاره شد) (یکی از نمایندگان - احسنت)

درست در دو سال پیش هم در رابطه با بیانیه به جناب آقای نخست وزیر نوشتم. مجلس شورای اسلامی به دولت اجازه داده است که فقط در حدود معین و مشخصی قراردادی را تنظیم نماید. بدیهی است مطالبی که خارج از آن محدوده باشد قانونیت نداشته و نمی تواند مورد تأیید قرار گیرد و آرائی که در محدوده مصوبه مجلس نیست «کان لم یکن» تلقی می شود. تصویب نامه ها، تفاهم نامه ها، بیانیه هائی که تعهد داشته باشد به هر اسمی و به هر عنوانی که باشد باید به مجلس بیاید و مجلس تصویب بکند و الا پیشیزی ارزش قانونی ندارد. دوم - مسأله زمین یکی از مسائل حیاتی کشور است ولی ۸۰۰ هزار هکتار زمین کشت سوخت و بلا تکلیف نباید مانع استفاده از ۵۶ میلیون هکتار زمین قابل کشت و مفید باشد یعنی دودرصد زمین های بلا تکلیف نباید بهانه بشود که ۹۸ درصد زمین ها رویش کار نشود و چند سال است که تا به حال آن ۲ درصد بهانه عدم کارکرد و عملکرد کشاورزی شده است. وزارت کشاورزی چه قدر روی زمین های بایر و موات کار کرده؟ چه قدر راجع به اصلاح بذور و مکانیزه کردن کار کرده؟ چه قدر روی مراتع کار کرده؟ بدبختانه حتی علوفه گاو و دانه مرغ را هم از خارج وارد می کنیم، همه را به حساب جنگ نگذارید. قدری را هم به حساب بی برنامه گی وضع بگذارید.

۳ - از دولت آینده می خواهم لوائح اساسی و سازنده به مجلس تقدیم کنند تا مشکلات اساسی برطرف شود نه لوائح مقطعی و کم ارزش کشور صدها گرفتاری اساسی دارد چرا برای آن ها فکری برداشته نمیشود؟ تا چه وقت نظام اداری ما این قدر منحط باشد؟ تا چه وقت قرطاس بازی؟ مردم دادشان از رشوه بلند است. اگر یک پروانه از شهرداری بخواهند بگیرند جانشان به لبشان می رسد.

۴ - فساد و اعتیاد جامعه ما را تباه می کند و روز به روز بیشتر میشود. آخر چه مرجعی باید جلوان را بگیرد؟ و چرا همه هنگی وجود ندارد؟ به خدا قسم ما از مردم و خانواده شهدا خجالت می کشیم. همین سه، چهار روز پیش رفته بودم مجلس ختم ۲ شهید، پدر دو شهید بلند شده فریاد می زند فساد دارد غوغا میکند ما بچه داده ایم، جوان داده ایم برای این که فساد و اعتیاد نباشد. چه کسی باید جلو آن را بگیرد؟

۵ - تا چه وقت وابستگی ما به نفت باشد و ما «ارز» غیر نفتی نداشته

رئیس - خوب، اینجا نمیتوانید بیایید (خطاب به اطاق کنترل) میکروفون تریبون را قطع کنید.

سید محمد خامنه ای - (پشت تریبون) عرض کنم حضور آقایان که آقایان قسم خورده اند که بی طرف باشند (همه مه و اعتراض عده ای از نمایندگان). یکی از نمایندگان - هاشم صباغیان رفته جایش را تو گرفت (همه مه و اعتراض نمایندگان).

رئیس - (خطاب به آقای خامنه ای) شما بگذارید بعد از سخنرانی صحبت بفرمائید وقتی که بحث شروع شد شما صحبت کنید بهتر است. سید محمد خامنه ای - من خواهش میکنم اجازه بفرمائید من اخطارم را بگویم.

رئیس - بعدش بگوئید بهتر است (همه مه و اعتراض نمایندگان) آقایان بگذارید آقای خامنه ای اخطارشان را بگویند. اخطار آئین نامه ای دارند (خطاب به اطاق کنترل) میکروفون را باز کنید. آقای خامنه ای بفرمائید (همه مه و اعتراض نمایندگان)

نیکروش - باید حرف بزند. پرهیز کار - اخطار ایشان الان قانونی نیست. اسرافیلیان - شما از کجا میدانید که چه میخواهد بگوید. ایشان که هنوز صحبت نکرده.

پرهیز کار - (خطاب به اسرافیلیان) طبق آئین نامه الان نمیتواند اخطار بدهد اجازه بدهید رئیس مجلس طبق آئین نامه مجلس را اداره کند. (در این هنگام مشاجره لفظی بین آقایان صالحی، اسرافیلیان و عده ای از نمایندگان صورت گرفت)

صالحی - (خطاب به اسرافیلیان) تو پدر سوخته لامذهبی. اسرافیلیان - تویی، تویی. سید محمد خامنه ای - آقای هاشمی اجازه میفرمائید. (همه مه و اعتراض نمایندگان)

رئیس - بعد بفرمائید. سید محمد خامنه ای - آقای هاشمی اینها به نفس شما دارند داد میزنند من خواهش می کنم شما اجازه بدهید.

رئیس - من دارم میگویم بعد از سخنرانی قبل از دستور شما صحبت کنید. الان وضع را که می بینید چگونه است. (همه مه نمایندگان - زنگ رئیس)

رئیس - آقای خامنه ای اخطارشان را بعد از سخنان قبل از دستور میگویند آقای عبد خدائی بفرمائید.

سید محمد خامنه ای - آقای هاشمی شما اجازه بفرمائید. رئیس - صبر کنید. من در موقعش به شما اجازه میدهم که شما صحبت بفرمائید حالا شما بفرمائید بنشینید.

سید محمد خامنه ای - اجازه بفرمائید. رئیس - شما کار معین فر را میخواهید تکرار کنید. بفرمائید آنجا. (همه مه نمایندگان) آقای عبد خدائی صحبت کنند (زنگ رئیس)

منشی - آقای دکتر عبد خدائی. (مشاجره لفظی بین آقایان صالحی و اسرافیلیان و خلخالی و چند نفر دیگر) رئیس - آقای صالحی! آقایان همگی سکوت بفرمائید (زنگ رئیس) (همه مه نمایندگان) (رئیس با عصیانیت) آقای صالحی، آقای صالحی من ده بار به شما گفته ام که در مجلس داد نزنید. شما با این صدای بلندت می خواهی یک عده ای را ضایع کنی. آقای عبد خدائی بفرمائید.

دکتر عبد خدائی - بسم الله الرحمن الرحیم، ربنا آتنا... (در این هنگام آقای خلخالی برای آرام کردن آقای صالحی با ایشان صحبت میکردند).

رئیس - آقای خلخالی! (خلخالی - من دارم ایشان را ساکت میکنم) بنشینید این جا، من خودم به ایشان می گویم. آقای عبد خدائی بفرمائید.

دکتر عبد خدائی - ... ربنا آتنا من لدنک رحمة و هی لنا من اسرارشدا. با درود فراوان به رهبر عظیم الشان امام عزیز و قلب تپنده ملت و رزمندگان قهرمان، انقلاب با شکوه اسلامی به صورت سیلی خروشان به پیش میروند نمونه اش را امروزها در مصر مشاهده می کنیم من به عنوان رئیس کمیسیون فرهنگ و



وارثان خلف همان انجمنی های رسوا ولیبرالیسم سیاسی ورشکسته سابق باشند. و شاید آنان شاگردان کم تجربه و کودن این تفکر بوده اند و شاید استاد هر دو عناصر مرسوم پشت پرده دیگری هستند که رندانه امور را هدایت می کنند. به هر حال این نوع جدید خط اساسی بودن ایجاب میکند که افراد علیرغم اطلاع روشن از دیدگاه حضرت امام مدظله در امری خاص خود را مجاز به تخطی عملی و گاهی حتی به تمسخر گرفتن آن بلکه شرعاً خود را مکلف به امری جز آن بدانند!! باین عنوان که این نظر حضرت امام نیست نظر فلانی است و در صورت اثبات گفته شود حکم فرمودند که لازم الطاعة باشد یا این که تکلیف امام با ما فرق میکند یا این که امام از موضعی سخن می گویند که ما هم در آن موضع تابعیم اما، ما از موضع دیگری به مسأله می نگرییم و یا از یک دست خط واحد به صدرش بی اعتنا و به ذیلش متمسک می شوند و بالعکس. و از این قبیل توجیحات، من در مورد این گونه برخوردها متأسفانه امری است روزمره و رایج، چند مطلب دارم:

اولاً « بینکم و بین الله » آیا این قماش حرف ها با حرف کسانی که قدری ناشیانه و تراویحاً بدون لباس روحانیت این حرف ها را می زدند و به حق به عنوان لیبرال وضد ولایت فقیه به دست توانای حزب الله منزوی شدند چه مقدار فاصله می بینید؟ آیا نباید از سرنوشت آنان عبرت گرفت؟ آیا مردم ما، مردمی که ما می شناسیم می توانند با چنین تفکری بسازند؟

ثانیاً آیا هنوز به ما اثبات نشده است که امام ولودر موضع ارشاد مسوولین و تذکر مصالح کشور بسیار دقیق تر، دوراندیشانه تر و آگاهانه تر از سایرین می نگرند؟ آیا زودتر از همه زنگ خطر را نقر کردند؟ آیا در مراحلی که همه غافل و به فریاد مشغول بودند، هشدار نداده اند؟ آیا تجربه نشان نداده است که از اول تا کنون صلاح و فلاح این انقلاب مرهون توجه به ارشادات و مواضع غیر تنگ نظرانه رهبری و اشکالات در حد زیادی معلول بی توجهی به رهنمودهای حکیمانه این ذخیره الله مظلوم و به اصطلاح شهید کردن پیام ها و مواضعشان نبوده است.؟ اگر دوست و دشمن در این باب معترفند ما را چه رسیده است با فرض مختار بودن مجلس در انتخاب، شقی را انتخاب کنیم که خلاف مصلحت اندیشی امام است باشد. اگر خود حضرت امام امروز به عنوان یک نماینده در این مجلس بودند چه گونه رأی میدادند؟

ثالثاً گاه انسان به این فکر فرو میرود که اگر بنا بود از اول انقلاب طرفداران انقلاب در کوران حوادث حساس که به نظر من شرایط فعلی از مراحل بس حساس انقلاب اسلامی است این گونه برخورد می کردند که خوب، امام درست فرمودند ولی خلاف آن هم بشود اشکال ندارد چه پیش می آمد؟ آیا هرگز جوانه نهضت اسلامی به شجره مبارکه فعلی تبدیل میشد؟ اگر این قماش آدم ها در زمان ائمه مثلاً زمام امام حسین در کربلا بودند و شب عاشورا نه تنها بهمانند حکم نمی فرمود که اذن ترخیص می فرمود و عملاً در شب تار پرده خیمه می افکند تا هیچ کس خجالت نکشد و پس از آن یکی یکی به اسم صدا می زد که چرا نرفتی چه میکردند؟

برادران! باید توجه داشت که اکثر انحرافات در تاریخ اسلام از روی جهل به حکم نبوده و در انتخاب مورد و موضوع و ضایع کردن مصالح بسیاری گمراه شده اند. اگر کسی اعتقاد جدی به سیستم امامت داشته باشد با کشف ادنی تمایل رهبر ولو بدون تلفظ آن را برمیگزیند چه رسد به آن چه حادث شده و همه میدانیم. حق آن است که امروز برای مجلس شورای اسلامی انتخاب اقوی و اصلح همان است که سرچ اندیشمندان فرموده اند و جز آن خسران و رسوائی است.

۳ - از امروز پس از اخذ رأی تمایل جناب نخست وزیر از مجلس به خواست خداوند کار مشترک ایشان و ریاست محترم جمهوری در رابطه با توافق برلیست وزرای کابینه آینده آغاز خواهد شد. کابینه ای که تغییراتی در آن ضروری و مشهود به نظر می رسد. من به عنوان یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی خدمت هردو این سروران عرض میکنم که این مجلس با تجربه اندوزی از انتخابات عجله آمیز برخی از وزرای گذشته به مقدار زیادی دقیق و حساس شده است این مجلس در همه وزارتخانه ها به وزیری که بر اساس میل و دلخواه زید و عمرو، و حرکت های معادلاتی پشت پرده به لیست وزراء راه یافته باشند رأی نخواهد داد. اکثریت قاطع مجلس به دور از ملاحظات گروهی و پانندی تنها به مصلحت انقلاب و مردم می اندیشند و به جزبه کسانی که مطمئناً چرخ اداره کشور را در شرایط حساس کنونی در جهت حل مشکلات مردم پرهیز از شعارگرایی ارزش کش حرکت منظم برنامه ای و زمان دار در جهت نیل به اهداف استراتژیک

باشیم. کشوری که این همه معدن دارد، جنگل دارد، دریا و دریاچه دارد. آیا باید روز به روز بستگی اش به نفت بیشتر بشود.؟ آن هم به کشورهای عقب افتاده؟ بیائید صادرات مرده را احیاء کنید و از طرفی نگذارید کشور ما بازار کالاهای خارجی و حتی کاسیوننداری خارجی گردد.

۶ - قوانین مجلس و مقررات اداری باید در صدد رفاه مردم باشد گرچه از پاید آن ها باز کند نه مشکلی بر آن ها اضافه کند مخصوصاً باید در راه خدمت به طبقه مستضعف باشد امروز اگر کارگری باده سرعائله از کارخانه ای اخراج شود حرفش به هیچ کجا نمی رسد مخصوصاً اگر مدیریت کارخانه، دولتی باشد. (تکیه روی این حرف دارم).

من با کمال تأسف باید بگویم هنوز هم مقررات و ضوابط به نفع پولدارها است، وزارت صنایع به یک کارخانه دار آن قدر سهمیه جنسی و یا ارز میدهد که در بازار آزاد به چندین برابر قیمت بفروشد ولی دیگران چون پروانه ندارند باید در محرومیت به سر ببرند در نطق قبلی گفتم یکی را آن چنان سهمیه میدهند که ۸۶ میلیون تومان بتواند گران فروشی بکند ولی یک عده ای به نان شبشان محتاج هستند من دو سال پیش سوالی کردم هنوز جوابش را نشیندم. پرسیدم اجناس دولتی که در بازار آزاد به چندین برابر قیمت به فروش می رسد از چه راهی به دست مردم رسیده است؟ مسائل زیاد است ولی وقت کم است و من امروز نمی خواهم حساسیت مجلس را تحریک بکنم. تورم مسأله بزرگی است مسأله دانشگاه ها و مسکن دانشجویان مسأله مهمی است که واقعاً باید به طور جدی حل بشود. و هم چنین رسیدگی به مستضعفین و محرومین در مقابل مالی که از طاغوتی ها گرفته میشود به صورت یک معادله صحیح به همان اندازه باید به مستضعف برسد و السلام علیکم ورحمة الله.

رئیس - سخنان بعدی.

منشی - آقای میرزائی بفرمائید.

عیدی محمد میرزائی عطاآبادی - بسم الله الرحمن الرحیم. ربنا علیک توکلنا والیک انبنا والیک المصیر فهدنا سواء السبیل، با عرض ارادت به ساحت مقدس ولی مسلمین امام است نیابت عامه امام عصر ارواحنا فداه و ادای احترام به تمامی شهیدان انقلاب اسلامی بالاخص شهدای جنگ تحمیلی و سلام مخلفانه به رزمندگان کفرستیز جمهوری اسلامی در جنگ حق علیه باطل و به است دلاور، آگاه و خدا جویمان در این فرصت کوتاه حسب وظیفه چند مطلب به اطلاع نمایندگان محترم و امت حزب الله می رسانم:

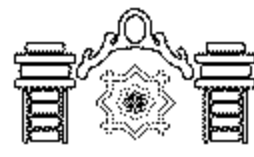
۱ - ملت محترم ملاحظه فرمودند که مجلس شورای اسلامی در جلسه گذشته در حضور مسوولین نظام جمهوری اسلامی ایران شاهد مراسم تحلیف مقام محترم ریاست جمهوری در آغاز چهارمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران و دومین دوره خدمتگزاری جناب آقای خامنه ای دام عزه بود.

ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای ایشان از ریاست محترم و هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی می خواهم هرچه سریعتر با فعال کردن کمیسیون خاص لایحه حدود اختیارات و وظایف ریاست جمهوری لایحه فوق را جهت تصویب نهائی آماده نمایند تا برخی از اشکالات و اختلافات گذشته ادامه نیابد و مصالح ملت پیش از این مراعات گردد.

۲ - جناب آقای خامنه ای همان طور که انتظار می رفت و سوابق عملی اتباع از امام مدظله نشان میداد و به مقتضای آیه شریفه:

«فلا وربک لایؤمنون حتی یحکمواک فیما شجر بینهم ثم لایجدوا فی انفسهم حرجاً مما قضیت ویسلموا تسلیماً». و آیات تکان دهنده قبل از آن در سوره مبارکه نساء بایزبرگواری خاص خویش برادر متعهد و مورد اعتماد امام و امت جناب آقای میرحسین موسوی را به عنوان نخست وزیر جهت اخذ رأی تمایل به مجلس شورای اسلامی معرفی فرمودند و امروز این نمایندگان مجلس شورای اسلامی هستند که در برابر نگاه های دقیق و انتظارات موکلین که اکثریت مطلقشان مقلد بلکه فدائی امام اند و در صحنه ای که توجه تمامی تحلیل گران جهانی را جلب خواهد نمود باید مراتب رشد سیاسی و ارادتشان را به ارشادات تکلیف آفرین امام است به تمامی دوستان و دشمنان انقلاب چه آنان که ذیلان و خفاش گونه در انتظار دیدن ضعف موضع رهبری در انقلاب اند و چه آن عزیزانی که از داشتن مجلس در خط امام به خود می بالند نشان داده شود. در این رابطه قدری واضح تر به چند نکته اشاره می کنم:

الف - مدت ها است مع الاسف در این مجلس توسط معدودی نوعی جدید از خط امام ظهور کرده است که به نظر می رسد تا حدودی قائلان آن



موفقیت‌های چشمگیری را به دست آورد اکنون در چنین شرایطی ضرورت دارد در یک جنگ اقتصادی به صحنه آید. قطعاً جنگ اقتصادی به نفع مردم ایثارگر ما است. ملت ما آمادگی پیدا خواهند کرد تا بدون وابستگی به صدور نفت خود را اداره نمایند.

در جبهه اقتصادی توان نیروی حزب الله موقمی کارساز خواهد بود که بداند هدفش چیست؟ و چه باید بکند؟ و این هدف را بایستی دولت جمهوری اسلامی ایران تبیین نماید. دولت آینده جمهوری اسلامی ایران باید به منظور ادامه حیات و بقای ملی و بهره‌گیری از چنین شرایطی جهت اصلاح ساختار اقتصادی کشور برنامه‌ریزی متناسبی را تدوین نماید. چرا باید دولت آقای مهندس موسوی را انتخاب کرد؟ امروز آرایش بزرگی برای مجلس شورای اسلامی پیش آمده است. روز سرنوشت‌سازی است. باید به شکلی عمل کنیم که در این مقاطع ضرری متوجه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران نشود. کسانی که به مقام ولایت فقیه باور عمیق دارند عنایت خواهند داشت که در نظام جمهوری اسلامی ایران احترام به حقوق ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی از رسومات ظاهری دموکراسی می‌باشد و ولایت فقیه بنا بر احساس تکلیف و ضرورت در مسائل مهم کشور اظهار نظر می‌نماید.

پذیرش و عدم پذیرش دنیا به دلایل غیراسلامی برای ما نمی‌تواند میزان باشد. اینکه بعضی آقایان مطرح می‌کنند که رأی مخالف بدیم تا دنیا بگوید مجلس شورای اسلامی در ایران مستقل و آزاد است با موازین اسلامی مغایر است. این چه حرف خطرناکی است؟ ما طبق ملاک و معیار مکتبمان اسلام عمل می‌کنیم. ما روی اشخاص حساسیت نداریم. ما در برخورد با مصلحت اسلام و مصلحت کشور و خواسته‌های ملتمان حساسیم. و در این استدلال با امام بزرگوارمان اتفاق نظر داریم و در همین راستا است که حضرت آیت الله العظمی منتظری در ملاقات با چندتن از نمایندگان میفرمایند به آقایان مخالف دولت مهندس موسوی بگوئید مسأله اسلام و امام است و مصلحت کشور مطرح و صواب آنست که به دولت ایشان رأی موافق دهند.

همکاران ارجمند! امروز خبرپراکنی‌های بنگاه‌های تبلیغاتی غرب و شرق با حرکت سرموزی در جریان رأی تمایل نخست‌وزیر ایران مواضع حضرت امام را مورد سؤال قرار میدهند. شما بروید و گزارش خبرنگارانه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی مورخ ۱۹ مهرماه جاری را مطالعه کنید آنگاه بر شما تکلیف میشود که به دولت آقای مهندس موسوی رأی موافق دهید.

نمایندگان محترم! مجلس باید به منویات حضرت امام جامه عمل بپوشاند. وقتی امام خود را مکلف به اظهار نظر میدانند و دولت آقای مهندس موسوی را تأیید و در این برهه حساس ابقاء آن را مصلحت میدانند آن نماینده و آن مجلسی که به صلاح‌دید امام است عمل نکند با شکست مواجه خواهد شد. با این استدلال اینجانب رجاء واثق دارم در این روز سرنوشت ساز نمایندگان پارلمان ایران با رأی قاطعی دولت آقای مهندس موسوی را انتخاب خواهند نمود. اکنون که آقای نخست‌وزیر آماده معرفی وزراء به مجلس می‌باشند لازم است به این نکات توجه فرمایند:

وزیر جمهوری اسلامی بایستی علاوه بر داشتن تخصص و تجربه و قدرت مدیریت دارای اعتقادات اصیل اسلامی بوده و شخصیت او در جریان انقلاب و مبارزه شکل گرفته باشد. وقتی که حضرت امام به ریاست محترم جمهور در مراسم تنفیذ تأکید می‌نمایند که «مشاورین را از میان افراد خوش سابقه انتخاب کنید» بدیهی است که رعایت این معیار برای وزراء با آن مسؤولیت عظیم ضروری است. شهید رجایی نخست‌وزیر اولین دولت مکتبی و اولین رئیس جمهور مکتبی اسلامی ایران می‌گفت: «وزرای خود را از «سرچشمه» انتخاب می‌کنم» یعنی از کسانی که شخصیت آنان در قاجعه «سرچشمه» تهران و دیگر سرچشمه‌های ایران اسلامی در جریان پیروزی انقلاب شکل گرفته انتخاب میکرد. مبادا افراد از فرنگ برگشته که در جریان انقلاب نبوده‌اند و تکنوکرات‌ها و یا تحصیل کرده‌های غیرانقلابی و حجتیه‌ای که فقط کارشان در رژیم شاه معدوم درس خواندن بوده و حتی یک سلی به خاطر انقلاب نخورده‌اند امروز امور کلیدی مملکت را به دست گیرند. اینگونه افراد اگر چه امروز ریشی گذاشته‌اند و تسبیح به دست گرفته‌اند اما بدانید اگر شاه معدوم به فرض محال می‌بود خود را متناسب با آن رژیم می‌آرایند.

وزیر در جمهوری اسلامی قبل از اینکه یک مسؤولیت تخصصی داشته باشد یک مسؤولیت سیاسی و اعتقادی دارد. و همین امر ایجاب می‌کند ابتدا

نظام جمهوری اسلامی باشد به هیچ وزیری با هرگونه انتساب رأی مثبت نخواهد داد. جناب آقای خامنه‌ای حفظه الله در جلسه‌ای که به مجلس تشریف آوردند فرمودند من بر اساس یکسری ضوابط و معیارها وزرای کابینه و افرادی را ارزیابی کرده‌ام و جایگاه هر کس را مشخص نموده‌ام خداوند به شما توفیق دهد و همه بحث ما همین جا است. اگر در یک نظام ارزش‌ها حکومت کند نه دیدگاهها و فرقه‌گرایی اگر معیارها متبع باشند نه امیال و سفارشات، اگر همدلی اصل باشد نه کینه‌ها و تضادها قطعاً آنچه رضای خداوند و مصلحت است است تجلی خواهد یافت. اگر جناب ریاست جمهوری و نخست‌وزیر در معیارهای خود که قطعاً فاصله زیادی با هم نخواهند داشت به توافق برسند و با مشورت صاحب نظران دیگر آن را کامل کنند و افرادشان را با آن تطبیق دهند و کاملترین را به مجلس شورای اسلامی بدهند کابینه جدید ان شاء الله در کوتاهترین زمان ممکن تشکیل خواهد شد. من به وزیری در کابینه آینده رأی خواهم داد که واجد صلاحیت‌های زیر باشد:

۱ - کابینه باید یک پارچه باشد و وزرای آن شیخوخیت نخست‌وزیر را پذیرفته باشند و از هیأت دولت به اینجا و آنجا پل نزنند و خود را در برابر تصمیمات جمع و رهنمودهای خاص رئیس دولت مسؤول بدانند.

۲ - لازم است از عناصری که از خودشان فکرندارند و از حوزه مسؤولیتشان اطلاعات، و هنرشان برخوردارند و چابک و پهلوانانه و پهلوان گو و بی‌خاصیت بودن در جریانات باشد پرهیز شود و افراد فهمیده، برنامه‌دار، استخوان‌دار در امور اجرایی و غیرمستطاهر دعوت به کار شوند.

۳ - وزیر جمهوری اسلامی باید سوابق روشن انقلابی داشته باشد و در انقلاب شکل گرفته باشد. عناصر از فرهنگ برگشته تکنوکرات‌های اطو کشیده، خدایان تخصص مجرد که برای این انقلاب حتی یک میلی نخورده‌اند و محرومیت را در زندگی با مردم لمس نکرده‌اند (رئیس - وقتان تمام شد) و به رشد دادن بچه‌مسلمان‌های متعهد در دستگاه اجرایی خودبها ندهند برای این کشور در سطح وزارت مفید نخواهند بود.

۴ - از وزرای موجود باید عملکرد اجرایی هر یک بررسی شود تا معلوم شود اولاً هر کس به اندازه مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و شعارهایی که داده توانسته عمل کند یا نه؟ ثانیاً از تجربه وزارت گذشته خود چه بدست آورده! آیا به طرح مشخص متناسب با شرایط جاری و نیازهای انقلاب رسیده یا نه؟ می‌تواند بن بست شکنی کند و لااقل به بن‌بست‌های دستگاه اجرایی خود تحلیل و درک سالمی داشته باشد یا نه؟

وزیر جمهوری اسلامی باید تسلیم قانون باشد و قوانین ابلاغ شده مجلس را در دستگاه خود به اجرا در آورده باشد و السلام علیکم ورحمة الله ویرکاته. نمایندگان - (احسنت - احسنت).

منشی - آقای قاضی زاده هاشمی.

قاضی زاده هاشمی - سلام علیکم ورحمة الله. به شادی ارواح پاک طیبه شهدای انقلاب اسلامی ایران بالاخص شهدای مظلوم شهید بهشتی و شهید رجایی و شهید باهنر اجماعاً الفاتحه مع الاخلاص والصلوات. (نمایندگان - صلوات فرستادند) رئیس - بفرمائید.

قاضی زاده هاشمی - بسم الله الرحمن الرحیم. حاکمان کشورهای اسلامی به سهم خود می‌بایست حامی جریان اعتراض، نسبت به صهیونیست غاصب بوده و سیاست‌های خود را در جهت مخالفت با روند تثبیت و شناسائی رژیم صهیونیستی که خاص آمریکا و دوستان آمریکاست هماهنگ و متنسجم نمایند.

در این رابطه جای تأسف است که کشور دوست الجزایر با پذیرش مشاور ویژه حسنی مبارک و برخی ملاقات‌ها با سردمداران رژیم مصر، احساسات است اسلام را جریحه دار کرده و جریان بازگشت مصر به جرگه اعراب را تسهیل می‌نماید.

استکبار جهانی پس از ناکامی‌های رژیم عراق در جبهه‌ها و شیوه مقابله حمله به مناطق مسکونی شهرها این بار تمام نیروی خود را برای یک جنگ اقتصادی تمام عیار با جمهوری اسلامی به میدان آورده است. بمباران برخی از مراکز تولیدی و صنعتی و مهم‌تر حمله مداوم به جزیره خارک از یکسو و توطئه جهانی برای کاهش قیمت نفت و افتتاح خط لوله جدید عراق و افزایش فروش نفت عربستان نمونه‌های بارزی از این جنگ جدید است. است ما که با ایثارگری و فداکاری‌های خویش توانسته است در جنگ سیاسی و نظامی حضور یافته و

و به صورت مخفی صورت می‌گیرد».

در اینجا ملاحظه شد که هم انتخاب آیات جوری بود که خط دهنده بود و هم جناب رئیس محترم از بی‌طرفی خارج شدند (همه و خنده نمایندگان - زنگ رئیس) و حمایت از طرف دیگری کردند.

تذکره دومی که من دارم در ماده ۳ آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی است که می‌خوانم:

«ماده ۳ - رئیس مجلس باید در اداره مجلس و اجرای مجازات و مراعات حقوق نمایندگان بی‌طرفی را اعمال کند».

من نفهمیدم وقتی که یکی از نمایندگان عنوان می‌کند که من تذکره آئین‌نامه‌ای دارم چرا نباید اجازه داده بشود که تذکرش را عنوان بکند. و بعد به طرف تریبون هم می‌آید و دستور قطع تریبون داده میشود. من این مسأله را تذکره میدهم اگر چنانچه این تذکره من به‌جا و به‌مورد هست این دردی است برای آن درمانی درست بشود. اگر هم نیست با صراحت بفرمائید که بی‌طرفی رعایت شده تا اینکه بنده قانع بشوم و به‌جای خودم بنشینم. والسلام علیکم.

رئیس - بسیار خوب.

شینی مصطفی - اجازه بدهید من جواب میدهم.

رئیس - تذکر جناب آقای فهیم را شما که نباید جواب بدهید. این را من باید جواب بدهم. این مطلبی که آقای فهیم فرمودند نظرشان به تقاضای صحبتی بود که جناب آقای سیدمحمد خامنه‌ای فرمودند که گفتند تذکره آئین‌نامه‌ای دارند و من خدمتشان عرض کردم که این را بعد از اینکه نطق‌های قبل از دستور تمام شد اول شروع دستور بفرمائید ایشان هم تشریف آوردند اینجا و من خدمتشان هم گفتم که آن موقع بفرمائید. تذکرشان هم همان بود که آقای فهیم فرمودند یعنی جمله‌ای که قبل از شروع جلسه، من به عنوان یک‌نظر خدمت نمایندگان عرض کردم. خوب، حالا این را مثلاً من نیم دقیقه صحبت کردم اگر لازم باشد میشود در یک جلسه غیرعلنی نیم دقیقه هم دیگران صحبت بکنند و علاوه این بیطرفی در مورد بحث‌های نمایندگان است. آنطور نیست که آدم در خارج از جلسه رسمی اگر خواست یک نصیحتی بکند این حق را از او بگیرند. چنین چیزی مربوط به آئین‌نامه نیست.

در مورد آن قسمت آیات ایشان فرمودند که آیات مثلاً یک طرفه بود بالاخره اگر خدا یک طرفه حرف بزند ما چه کار بکنیم؟ (خنده رئیس و نمایندگان) آن طرفی که خدا گفته، خواندند. حالا شما هم یک آیتی در قرآن پیدا کنید که نوشته باشد از رهبر اطاعت نکنید، آنها را هم ما اینجا می‌خوانیم اگر چیزی بود... (خنده رئیس) (نمایندگان - احسنت، احسنت) مناسب‌ترین جایش همین جا بود. در آئین‌نامه می‌گوید باید آیات مناسب موضوع دستور باشد. خوب آیات همین است دیگر. حالا حضار چقدر هستند؟ (منشی - ۲۳۵ نفر) الان آقایان منشی‌ها می‌فرمایند که ۲۳۵ نفر در جلسه هستند متهاکارت‌هایی که ما خدمت آقایان دادیم شماره دارد و تکراری هم نمی‌تواند باشد اگر تصادفاً این رقم در شمارش دقیق نباشد در کارت‌هایی که به گلدان ریخته میشود دقت هست. بنابراین ما اشکالی در کار نداریم. تذکراتی که اینجا نوشتند من یک‌بار می‌خوانم:

به منظور حفظ اعتماد نمایندگان به سلامت رأی‌گیری خواهشمند است نکات زیر را مراعات فرمائید:

۱ - به هر نماینده پس از امضاء لیست حضور و غیاب یک پاکت که محتوی فقط یک کارت رأی است با انتخاب نماینده ارائه میگردد.

۲ - یک طرف کارت کاملاً سفید (جهت نوشتن رأی) و طرف دیگرش مهر و امضاء و شماره خاص خورده است. در این قسمت چیزی نوشته نمیشود. (این طرفی که مهر خورده هیچ چیز ننویسد).

۳ - برای رأی دادن فقط یکی از سه عبارت (موافق، مخالف، ممتنع) یعنی یک کلمه فقط پشت کارت بنویسد (موافق، مخالف، ممتنع) چیز دیگری نوشته نشود.

خلخالی - منظور پشت کارت است.

رئیس - پشت کارت را داریم می‌گوئیم این طرفی که مهر خورده هیچ چیز نمی‌نویسیم آن طرفش روشن است. آقای خلخالی بالاخره یک چیزی باید این وسط بفرمایند. (خنده رئیس) من هم همین را گفتم.

۴ - هر کارت یک شماره خاص دارد در حفظ آن به جهت مخفی بودن رأی دقت فرمائید.

صلاحیت سیاسی و اعتقادی و سابقه مبارزاتی او مورد بررسی و تأیید قرار گیرد بعد صلاحیت تخصصی.

متأسفانه این روزها مشاهده میشود که در تعیین وزرای کابینه آینده به تخصص و مدرک تحصیلی بالاترین امتیاز داده میشود و نسبت به سابقه مبارزاتی بی‌توجهی میگردد. تأکید می‌کنم که وزرای دولت جمهوری اسلامی باید از متدین مردان مبارزی باشند که از مدیریت قابل توجهی برخوردار بوده و قدرت جذب و دفع منطقی داشته باشند.

و در پایان اعلام میدارم که تحقق اهداف انقلاب اسلامی به وسیله مدیران حزب‌اللهی و مکتبی امکان‌پذیر است. و برای اینکه این مهم تحقق یابد باید شرایطی را که ذکر کردم رعایت گردد. (ان‌شاءالله). والسلام علیکم ورحمة‌الله.

۳ - تذکرات نمایندگان مجلس به مسؤولان اجرائی کشور به وسیله

آقای رئیس

رئیس - بسم‌الله الرحمن الرحیم. تذکرات نمایندگان محترم مجلس به مسؤولان محترم اجرائی کشور:

آقای موحدی ساوجی نماینده ساوه به وزارت کشاورزی در مورد تأمین کود شیمیائی مورد نیاز منطقه ساوه تذکر داده‌اند.

آقای قاضی‌زاده هاشمی نماینده فریمان و سرخس و احمدآباد به وزارت سپاه در مورد برادران پاسدار بومی فریمان و عدم پاسخ به نامه‌های ارسالی تذکر داده‌اند.

آقای توسلی‌زاده نماینده خواف و رشتخوار به وزارت فرهنگ و آموزش عالی در خصوص تأمین امکانات و فضای آموزشی مناسب برای تربیت مدرس تذکر داده‌اند. آقای حاجتی نماینده ماکو به وزارت راه در خصوص احداث پل زنگبار و اسفالت راه «شوط» و احداث کمربندی ماکو و تأمین امکانات برای اداره راه سیه چشمه و به وزارت صنایع در مورد احداث کارخانه نساجی در ماکو و به وزارت دادگستری در مورد تکمیل کادر قضائی و رسیدگی به مشکلات دادگامیه چشمه تذکر داده‌اند.

آقای موسوی نماینده اهواز به وزارت کشاورزی در خصوص تأمین اعتبار برای خرید برنج و شلتوک اهواز (۱) و اهواز (۲) و هویزه در استان خوزستان و به نخست‌وزیری و وزارت برنامه و بودجه در مورد تأمین اعتبار برای ۱۲۰۰ آموزگار و مربی پرورشی پیمانی و حق‌التدریسی منطقه تذکر داده‌اند.

آقای رزاقی نماینده تنکابن و رامسر به وزارتخانه‌های کشاورزی و بازرگانی در خصوص تسریع در تهیه کاغذ شیمیائی برای مرکبات و به وزارت جهاد سازندگی و وزارت نیرو در مورد سدبندی و کانال‌کشی رودخانه سه هزار تذکر داده‌اند.

عده‌ای از نمایندگان استان لرستان به وزارت آموزش و پرورش در مورد انتقال بی‌قید و شرط و بلاعوض گروهی از معلمان آموزش و پرورش لرستان به استان همدان و دیگر استان‌های همجوار.

آقای خلخالی نماینده قم به وزارت آموزش و پرورش در مورد به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان شهرستان قم در مدارس و تأمین کمبود معلم مورد نیاز قم و به وزارت راه در مورد اسفالت گرم راه خلخال به تبریز و گیلان تذکر داده‌اند.

آقای قائمی نماینده سروستان و خراسه به وزارت پست و تلگراف و تلفن در مورد تسریع تکمیل و راه‌اندازی مخابرات خراسه تذکر داده‌اند.

آقای رحیمی نماینده قروه به وزارت کشاورزی در مورد تأمین کود شیمیائی مورد نیاز کشاورزان منطقه تذکر داده‌اند.

۴ - رأی تمایل مجلس به نخست‌وزیری آقای مهندس میرحسین موسوی

رئیس - اولین دستورمان رأی‌گیری برای رأی‌تمایل نسبت به نخست‌وزیری جناب آقای مهندس میرحسین موسوی است که از طرف جناب ریاست جمهوری معرفی شده‌اند به مجلس. (فهیم کرمانی - تذکره آئین‌نامه‌ای دارم) آقای فهیم تذکره آئین‌نامه‌ای دارند بفرمائید.

فهیم کرمانی - بسم‌الله الرحمن الرحیم. در ماده ۱۴۲ آئین‌نامه داخلی مجلس (من مقدماً عرض می‌کنم نمی‌خواستم صحبت بکنم ولی استخاره کردم خوب آمد (خنده نمایندگان) از این جهت من این تذکره را میدهم که هم آقایان توجه بکنند و هم در صورت جلسه مذاکرات مجلس ثبت بشود). در ماده ۱۴۲ نوشته است که:

«اخذ رأی تمایل نسبت به نامزد نخست‌وزیری در جلسه بعد بدون بحث



اعضاء شورای سرپرستی خواهد بود. «
همینطور که نمایندگان محترم مستحضر هستند به پایان دوره دوساله شورای سرپرستی صدا و سیما نزدیک شده ایم، ابهامی در قانون وجود داشت و آن ابهام عبارت از این بود: آیا این دوره دوساله شورای سرپرستی از زمان تعیین نماینده قوه مقننه است یا برای هر سه قوه، یا از زمان تعیین نماینده هر قوه ای است؟ این دو احتمال و احتمال سوم اینکه دوره شورای سرپرستی از زمان تکمیل نمایندگان سه قوه است، همینطور که در طرح آمده است، من طرحی که توسط نمایندگان اعضاء شده می خوانم:

ماده واحده - آیا انقضای دوره شورای سرپرستی دوسال از تاریخ انتخاب نماینده قوه مقننه (حداکثر پانزده روز پس از اعلام مجلس مذکور در تبصره ۱ ماده ۲) محسوب می گردد یا اینکه انقضای مدت نماینده هر قوه در شورای سرپرستی از تاریخ انتخاب همان قوه محسوب می شود یا اینکه از تاریخ تکمیل اعضاء شورای سرپرستی خواهد بود؟

در ماده ۲ قانون صدا و سیما که در پشت ورقه چاپ شده، آمده «نمایندگان قوای سه گانه برای دو سال تعیین می شوند» در تبصره ۱ ماده ۲ قانون صدا و سیما آمده: «مدت تعیین نمایندگان در دوره اول حداکثر پانزده روز پس از اعلام مجلس و در دوره های بعدی پانزده روز قبل از انقضای دوره شورای سرپرستی می باشد»، استفساریه ای که به کمیسیون آمد پس از بحث و بررسی در کمیسیون نظر کمیسیون به این شکل که عرض کردم اشتباه چاپ شده و جایز بود که این عبارت بالا جای ماده واحده چاپ بشود، نظر کمیسیون این شد که دوره دوسال شورای سرپرستی از ابتداء تکمیل نمایندگان سه قوه است و این رأی و نظر کمیسیون مستند به ذیل تبصره ۱ ماده ۲ است. در ذیل تبصره ۱ ماده ۲ آمده: «در دوره های بعدی پانزده روز قبل از انقضای دوره شورای سرپرستی می باشد» از این عبارت «انقضای دوره شورای سرپرستی» اینطور مستفاد است که ابتداء دوره شورای سرپرستی هنگام تکمیل نمایندگان سه قوه می باشد. بنابراین کمیسیون با استناد به ذیل این تبصره تصویب کرد و نظر داد که بعد از تکمیل نمایندگان سه قوه ابتداء دوره دوساله شورای سرپرستی است. اگر برادران بیشتر توضیح خواستند، بعد از صحبت مخالفین و موافقین من پاسخ خواهم داد، والسلام علیکم ورحمة الله.

رئیس - یک نفر مخالف این نظریه کمیسیون صحبت کند.
منشی - اولین مخالف آقای موحدی ساوجی هستند که مشغول شمارش آراء هستند، مخالف بعدی آقای حائری زاده هستند.

رئیس - آقای حائری زاده، بفرمائید.
حائری زاده - بسم الله الرحمن الرحیم، آن نظری که در طرح آمده، خود ماده واحده را اول به این صورت تنظیم کردند که «آیا انقضای دوره شورای سرپرستی دوسال از تاریخ انتخاب نماینده قوه مقننه محسوب می گردد یا اینکه انقضای مدت دوره نماینده هر قوه در شورای سرپرستی از تاریخ انتخاب همان قوه محسوب میشود یا اینکه از تاریخ تکمیل اعضاء شورای سرپرستی خواهد بود؟» دقیقاً در ماده ۲ قانون صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران آمده است.

ماده ۲ - نمایندگان قوای سه گانه برای دوسال تعیین می شوند.
حالا مدت خود شورای سرپرستی کلاً ۲ سال است. حالا آقایان آمده اند در تفسیر در کمیسیون ارشاد اسلامی استناد کردند که انقضای دوره شورای سرپرستی صدا و سیما از تاریخ تکمیل اعضاء شورای سرپرستی خواهد بود. یعنی از آن تاریخ می گیرند، دوسال به بعد حساب می کنند. یا قبلش اگر هر چه کسر دوسال بوده و اینطور نیست. یعنی هر نماینده ای از هر قوه ای که معرفی شد، حداکثر بایستی دو سال در این شورا باشد. باین حساب، باین تفسیری که کرده اند، ماده ۲ نقض می شود و هر نماینده ای بیش از دوسال می تواند باشد، یعنی دقیقاً خلاف ماده ۲ است. لذا بایستی از همان اولی که مشخص شد، از اول دوره که تعیین شد هر قوه ای برای دوسال نماینده معرفی کند، از تاریخ تعیین نماینده دوسال باشد. (حالا مجلس هم کمتر توجه دارد، به اینصورت ما هم نمی توانیم درست بحث کنیم) (زنگ رئیس).

رئیس - این مجلس همه هم دارد و تحت تأثیر رأی گیری است. مسأله مهم تر چون دارند، به اینها گوش نمی دهند. خواهش می کنم گوش بدهید، می خواهیم رأی بگیریم.

حائری زاده - اگر تفسیری را که کمیسیون ارشاد اسلامی کرده است که تفسیر کرده «انقضای دوره شورای سرپرستی صدا و سیما از تاریخ تکمیل

۵ - رأی گیری کاملاً مخفی است لذا از نوشتن نام و اعضاء خود و هر علائم مشخصه دیگری خودداری فرمائید.

این یک توصیه است. اگر نام پشت کارت باشد کارت باطل نمی شود ولی لزومی ندارد بنویسید توصیه کردند که چون مخفی است هیچ علامتی پشت کارت نباشد. البته اگر هم نوشته شد باطل نیست.

۶ - اگر احیاناً کارت دیگری برای رأی گیری استفاده شود باطل و در پایان به حساب مجموع آراء گذاشته نخواهد شد. (یعنی اگر از این کارت های مهردار استفاده نکنید آن را ما به حساب نمی آوریم. اصلاً می گذاریم کنار و نمی شماریم آن را.)

۷ - اگر کارت بدون نوشته و یا به گونه ای که رأی نماینده را مشخص نسازد. به گلدان بیفتد (اینجا نوشتند ممتنع حساب میشود یعنی ولو اینکه ممتنع روی آن نوشته باشید یعنی سفید اگر بیندازید در گلدان ما این را ممتنع حساب می کنیم. ولی برای اینکه این شبهه پیش نیاید کلمه «ممتنع» را پشت آن بنویسید.

یکی از نمایندگان - آقای هاشمی الان تعداد نمایندگان حاضر بیشتر شده. رئیس - بلی. الان بیشتر شده ولی چون کارت ها شماره دارد ما نگرانی نداریم که تکراری داشته باشد هر چه در گلدان بیفتد.

طاهری خرم آبادی - آقای هاشمی! لطف بفرمائید دوسه نفر از نمایندگان موافق و مخالف در رأی گیری و شمارش آراء نظارت کنند.

رئیس - بسیار خوب. سه نفر از منشیان را ما در هیأت رئیسه تعیین کردیم برای شمردن از آقایان نماینده ها هم حق دارند اگر بخواهند نظارت کنند همیشه اینطور بوده.

زواره ای - باید رقم دقیق حاضرین اعلام شود.

رئیس - آقایان ضمن رأی دادن مارقم را دوباره می شماریم و اعلام می کنیم. زواره ای - الان باید اعلام شود.

منشی - آقایان لطفاً روی صندوق های خودشان باشند که شمارش را ما دقیق بتوانیم کنترل بکنیم.

رئیس - آقایان سعی کنید اسم پشت کارت ننویسید که مشکلی پیش نیاید عده حاضر را تا الان منشی ها می گویند الان ۲۳۸ نفر هستند ولی آن دقت کامل نیست ما تجربه کردیم گاهی یکی، دوتا، پنج تا بالا، پائین می شود. بفرمائید گلدانها را برای رأی گیری بگردانید.

(در این موقع اخذ رأی به عمل آمد)

رئیس - بسیار خوب، رأی گیری تمام شده، ما برنامه ها را ادامه می دهیم. نتیجه رأی گیری را بعد اعلام می کنیم، دستور بعدی را اعلام کنید.

۵ - تصویب طرح استفساریه از تبصره ۱ ماده ۲ و ماده ۲ قانون اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

منشی - دستور بعدی، گزارش کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی در خصوص طرح استفساریه از تبصره ۱ ماده ۲ و ماده ۲ قانون اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مقرر کمیسیون ارشاد اسلامی تشریف بیاورند.

نظری (مقرر کمیسیون ارشاد اسلامی) - بسم الله الرحمن الرحیم، طرح استفساریه از تبصره ۱ ماده ۲ و ماده ۲ قانون اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

شماره چاپ ۲. شماره ترتیب چاپ ۷۹۸، شماره چاپ سابقه ۷۷۳ گزارش از کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی به مجلس شورای اسلامی.

طرح استفساریه از تبصره ۱ ماده ۲ و ماده ۲ قانون اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به شماره ترتیب چاپ ۷۷۳ که به کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی ارجاع شده بود، در جلسه ۶۴/۷/۷ مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با اکثریت آراء به شرح ذیل تفسیر گردیده است.

اینجا شاید یک اشتباهی در چاپ شده باشد، مناسب بود، مصوبه کمیسیون را به صورت ماده واحده بدهند که مصوبه کمیسیون در همین قسمت بالا درج شده یعنی این باید به صورت ماده واحده شده باشد، اصل طرح که با امضاء نمایندگان ارائه شده بود در ذیل آمده است. ماده واحده به صورت سؤال و مصوبه کمیسیون در بالا درج شده است، ماده واحده این است:

ماده واحده - «با استناد به ذیل تبصره ۱ ماده ۲ و ماده ۲ قانون صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انقضای دوره شورای سرپرستی صدا و سیما از تاریخ تکمیل

رئیس - البته این چه علی‌البدل باشد، چه اصل باشد یعنی وقتی که سه قوه یک نماینده در آنجا داشته باشند، این دیگر هست، یعنی منظور تأمین میشود. ۱۹۲ نفر در جلسه حضور دارند، کسانی که با این تفسیر کمیسیون موافقت‌قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. دستور بعدی را مطرح کنید.

۶ - تصویب کلیات لایحه بازپرداخت اوراق قرضه گسترش مالکیت واحدهای تولیدی

منشی - دستور بعدی - گزارش شورای اول کمیسیون برنامه و بودجه در خصوص لایحه بازپرداخت اوراق قرضه گسترش مالکیت واحدهای تولیدی. منبر کمیسیون برنامه و بودجه بفرمائید.

دري نجف‌آبادی (منبر کمیسیون برنامه و بودجه) - بسم الله الرحمن الرحيم. من معذرت میخواهم، یک کلمه در این لایحه بودجه ارزی بود برای ثبت در پرونده، من تذکریدم که کلمه را ما غلط نوشته بودیم، «شرکت دولتی بازرگانی ایران صحیح آن «شرکت بازرگانی دولتی ایران» است. نه شرکت دولتی بازرگانی ایران» کلمه «بازرگانی» جلو است، این اشتباه بوده است، تصحیح میشود. شماره ترتیب چاپ ۷۲۷.

گزارش از کمیسیون برنامه و بودجه به مجلس شورای اسلامی.

لایحه شماره ۶۳۳۲ مورخ ۶۲/۸/۲ دولت راجع به بازپرداخت اوراق قرضه گسترش مالکیت واحدهای تولیدی با شماره ترتیب چاپ ۷۲ مجلس که به کمیسیون برنامه و بودجه به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود، در جلسه مورخ ۶۴/۵/۲ این کمیسیون با حضور کارشناسان مربوط مطرح و با تغییراتی به شرح زیر به تصویب رسیده اینک گزارش شور اول آن تقدیم مجلس شورای اسلامی میشود:

لایحه بازپرداخت اوراق قرضه گسترش مالکیت‌های واحدهای تولیدی. ماده واحده - دولت مکلف است تا آخر سال ۱۳۶۵ نسبت به فروش کلیه سهام مشمول قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی که طی سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ به سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی واگذار گردیده است اقدام واز محل وجوه حاصله اوراق قرضه گسترش مالکیت واحدهای مزبور را پرداخت نماید. قیمت فروش سهام فوق‌الذکر توسط شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی فوق‌بارعایت صرفه و صلاح دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین و در درجه اول به کارکنان واحدهای تولیدی و در درجه بعد به بانکها و تعاونی‌های تولیدی موضوع تبصره ۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور و بخش خصوصی واگذار گردد. کلیه قوانین مغایر با این ماده واحده ملغی خواهد بود.

ریشه این ماده واحده یک ماده واحده است که دولت جمهوری اسلامی در گذشته در دوره قبل مجلس شورای اسلامی تقدیم مجلس کرده، بعد هم باز در تاریخ ۶۳/۴/۴ تقاضای طرح مجدد آن در مجلس دوره دوم شورای اسلامی شده است. اصلش به سال ۵۹ بر میگردد. در سال ۱۳۵۹ که جنگ تحمیلی رژیم علفی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران شروع شد، در تنظیم بودجه عمومی کشور مشکلاتی به وجود آمد. یکی از مشکلات این بود که خوب خزانه توان مالی و ریالی کافی را برای همه هزینه‌ها از جمله هزینه جنگ را نداشت. درآمدها افت کرده بود، درآمد نفت افت کرده بود، سایر درآمدها به خاطر جنگ و شرایط انقلاب افت کرده بود. هزینه‌ها هم که برادران مستحضر هستند که هزینه‌های جنگ هم در اواخر سال ۵۹، شش ماهه دوم داشت تحمیل میشد. یکی از چاره اندیشی‌هایی که شده بود این بود. این اوراق قرضه مالکیت واحدهای تولیدی که در اختیار مردم هست و در حقیقت مردم از دولت طلبکار بودند. هر وقت این اوراق قرضه را که در رابطه با آن قوانین رژیم طاغوت نزد دولت (بانکها) می‌آوردند بانکها باید پولش را پرداخت بکنند، منتها در آن شرایط دولت توان لازم را نداشت با اینکه سر رسید شده بود و باید پرداخت میشد و در حقیقت دولت هم نمیتوانست به سادگی تعهدات گذشته را نادیده بگیرد ولی اسکانات مالی و اسکانات ریالی دولت اجازه نمیداد. لذا یک تبصره‌ای در اصلاحیه بودجه ۱۳۵۹ منظور شد که در این تبصره (تبصره ۱) «به وزارت اقتصاد و دارائی اجازه داده میشود کلیه اوراق قرضه را به مدت دو سال تمدید کند» معنایش این بود که این بدهی دولت را که نزدیک دو میلیارد و چهار صد میلیون تومان است در سال ۵۹ یا سالهای بعد سر رسید میشد. پرداخت نشود و به مدت ۲ سال تمدید بشود، بعضی از سال ۶۱ به بعد باز آنها حق داشته

شورای سرپرستی خواهد بود». شورای سرپرستی تشکیل می‌شود، دوقوه، دونفر را معرفی می‌کنند، شش ماه بعد از آن قوه سوم معرفی می‌کند. اگر قرار باشد پس از تکمیل انقضاء مدت دو سال حساب بشود، پس آن اعضاء دوقوه دیگر دو سال ونیم آنجا کار کرده‌اند و با ماده تعارض دارد. ماده ۲ می‌گوید: «نمایندگان قوای سه‌گانه برای دو سال تعیین می‌شوند»، نماینده هر قوای بیش از دو سال نباید آنجا عضویت داشته باشد و دقیقاً این تفسیری که کرده‌اند با ماده تعارض دارد. علت مخالفت من این بود. حالا باز آقایان می‌خواهند توضیح بدهند. بایستی کمیسیون دلایل را بگوید.

رئیس - آقای شوشتری به عنوان موافق، بفرمائید.

شوشتری - بسم الله الرحمن الرحيم. نمایندگان محترم توجه بفرمایند در مورد این استفساریه. برای اینکه کاملاً موافقت را با نظر کمیسیون ارشاد بیان بکنم، یک اصل از قانون اساسی را می‌خوانم، یک مقایسه‌ای بین قانون مصوب مجلس و قانون اساسی می‌کنم.

«اصل شصت و سوم - دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است». ماده ۲ قانون راهم دقت بفرمائید: «نمایندگان قوای سه‌گانه برای دو سال تعیین می‌شوند». بعد ذیل اصل شصت و سوم: «انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود». تبصره ۱ ماده ۲ هم دقیقاً همین‌گونه است: «مدت تعیین نمایندگان در دوره اول حداکثر پانزده روز پس از اعلام مجلس و در دوره‌های بعدی پانزده روز قبل از انقضاء دوره شورای سرپرستی است». ما در مورد قانون اساسی در ارتباط با نمایندگان محترم مجلس می‌بینیم اصل شصت و سوم می‌گوید: «مدت نمایندگی چهار سال است». خوب این مدت نمایندگی را از انتخابات شروع می‌کنیم یا از هنگامی که مجلس شورای اسلامی به حد رسمیت برسد و اولین جلسه خودش را آغاز بکند؟ طبیعی است که این مدت چهار سال از هنگامی شروع می‌شود، سبب چهار سال را از وقتی آغاز می‌کنیم که اولین جلسه رسمی مجلس آغاز بشود که هفتم خردادماه است. بعد انتخابات دوره بعد قانون اساسی می‌گوید «قبل از پایان دوره اول» قانون اینجا زمان تعیین کرده «پانزده روز قبل از پایان دوره» اما در مورد شورای سرپرستی. نظر به اینکه رسمیت جلسه شورای سرپرستی با سه نفر هست، بنابراین عبارت فرق نمی‌کند، بگوئیم «از رسمیت یا از تکمیل اعضاء»، پس انتخابات ملاک نیست. مشکلی هم که در این رابطه است من خدمتتان عرض بکنم، این مسأله هم بالاخره باید یک روزی حل بشود، ما در زمینه انتخابات نمایندگان سه قوه ملاحظه می‌کنید، ممکن است در یک زمان انتخابات برگزار نشود و بین آنها چند روزی فاصله باشد. این دو سال را برای هر نماینده از انتخابات خودش شروع می‌کنیم یا اینکه نه، از وقتی آغاز بکنیم که دوره تشکیل شده است. اگر ذیل تبصره یک را نگاه بکنید کاملاً می‌شود استفاده کرد، برای اینکه در ذیل می‌گوید که: «و در دوره‌های بعدی پانزده روز قبل از انقضاء دوره شورای سرپرستی میباشد». ملاک انتخابات را پایان دوره گرفته و در تبصره ۱ نگفته انتخابات هر نماینده بعد از پایان دوسالش از انتخابات است انتخابات را از زمانی ماباید شروع کنیم، پانزده روز قبل از دوره. پس ملاک را دوره گرفته، نه ملاک را انتخابات نمایندگان و این مسأله هم باید یک روزی حل بشود، این ابهام برطرف بشود که ما انتخابات را از چه وقت آغاز بکنیم چون فرق میکند. اعتقاد ما بر این است که تفسیری که کمیسیون محترم کرده تفسیر به‌جائی است و مستند به تبصره ماده ۲ ماده ۲ است. نمایندگان محترم هم آن ماده را توجه میکنند که مدت انتخابات دو سال است. اما این تبادل به ذهن میشود که دو سال را از انتخابات آغاز میکنیم. من اصل شصت و سوم قانون اساسی را خواندم، در رابطه با انتخابات مجلس ممکن است نماینده‌ای در اول فروردین ماه انتخاب بشود، اما چهار سال نمایندگی از هنگام انتخابات مسلم شروع نخواهد شد. بلکه از وقتی آغاز میشود که رسمیت جلسه شروع بشود، منتها عرض کردم در زمینه شورای سرپرستی چون با دونفر رسمیت ندارد، بلکه با سه نفر رسمیت پیدا میکند، پس فرقی نمیکند ما بگوئیم از اولین جلسه رسمی یا بعد از تکمیل دوره، حالا اگر بعضی از نمایندگان محترم اشکال میکردند ممکن است یک قوه‌ای اصلاً انتخابات نکند، این خلاف قانون است. برای اینکه قانون مشخص کرده پانزده روز قبل از پایان دوره از طرف این پانزده روز باید نماینده‌اش را انتخاب بکند، پس بنابراین هیچ‌گونه این استفساریه ایرادی ندارد و درست هم تفسیر کرده‌اند و دقیقاً مثل اصل شصت و سوم قانون اساسی است. لذا بنده با تفسیر کمیسیون ارشاد کاملاً موافق هستم.

باشند مراجعه کنند و دریافت کنند. در سال ۶۱، ۶۲ که بایک مدتی تأخیر این لایحه تقدیم مجلس شورای اسلامی شد، تقاضائی که شده بود، این بود که اجازه بدهیم دو میلیارد و سیصد و خرده‌ای میلیون تومان از بانک ملی به صورت استقراض در رابطه با دولت قرار بگیرد و در اختیار این کسانی که این اوراق قرضه را دارند، به آنها پرداخت بشود. افرادی که اوراق قرضه دارند، معنایش این میشد که به بانک ملی مراجعه کنند، بانک ملی موظف باشد این اوراق قرضه را از آنها بگیرد و در برابرش از دولت طلبکار میشود. در حقیقت دولت چون خودش مستقیماً نمیتوانست یا امکاناتش محدود بود یا شرایط دیگری داشت. ضرورتهای دیگری داشت نمیتوانست مستقیماً پرداخت بکند به عهده بانک ملی گذاشته بود که بانک ملی بپردازد و در حقیقت در ضمانت دولت باشد، تعهدش باطناً متعلق به دولت است. یعنی بدهی دولت را بانک ملی بپردازد و بعد جزو بدهی‌های دولت به سیستم بانکی محسوب بشود. خوب این وقتی آمد مجلس و در کمیسیون مربوطه ما دچار مشکلاتی بودیم، استقراض غیر استقراض اصلاح بودجه، مشکلات دیگری بود که در حقیقت این هم استقراضی بود از سیستم بانکی از بانک ملی، ما گفتیم در تبصره‌های بودجه خوب است به هر کیفیت در رابطه با این ماده واحد هم عمل کنیم، عمل هم تأخیر افتاد تا این اخیر، چاره‌ای اندیشیده شد و چاره آن با این کیفیت است که دولت را در حقیقت مکلف کردیم به جای اینکه یک استقراض جدیدی باشد از سیستم بانکی یا از بانک ملی یا غیره، بیاید نسبت به فروش آن سهام با ترتیبی که در این ماده واحد منظور شده و ما ارائه کردیم و با سیستم قیمت‌گذاری که شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی، این سیستم قیمت‌گذاری را اعمال بکنند، بیاید بفروشند به همین کیفیت هم که عرض کردیم به ترتیب اول در اختیار کارکنان واحدهای تولیدی، در درجه بعد در اختیار بانکها و تعاونیهای تولیدی و بخش خصوصی قرار بدهد و پولش را در حقیقت دریافت بکند و برای باز پرداخت دیون خودش از این کانال استفاده کند. هم بدهی دولت به این کیفیت حل میشود، مشکل دولت حل میشود، هم آن سهامی که خوب این مسأله هم در اخیر مخصوصاً مطرح شده ان شاء الله بشود خوب هم عمل بشود که فروش سهام به کارکنان و کارگران و غیره، این خودش یک قدمی باشد در رابطه با تحقق این هدفی که خوشبختانه امروز در جمهوری اسلامی مطرح است این اسکلت این لایحه است. حالا توضیحات بعدی را در صورت لزوم من خدمتان عرض خواهم کرد.

رئیس - مخالف صحبت کند.

منشی - اولین مخالف آقای حائری‌زاده فرمائید.

حائری‌زاده - بسم الله الرحمن الرحیم. اولاً اینجا یک اخطار آئین‌نامه‌ای وارد هست. برای اینکه کمیسیون برنامه و بودجه در اینجا آمده یک تغییر ماهوی در لایحه داده یعنی کلاً اساس لایحه تغییر کرده. لایحه قبلی اول با شماره چاپ ۷۲ به مجلس آمده و عنوان ماده واحد این بوده که «به دولت اجازه داده میشود مبلغ بیست و سه میلیارد و سیصد و بیست و سه میلیون و دویست و پنجاه و چهار هزار ریال اوراق قرضه دوسه ساله با تاریخ انتشار دو ماه پس از تصویب این قانون طبق ضوابط قانون انتشار اسناد خزانه و اوراق قرضه مصوب مهرماه ۶۸ منتشر نماید.» یعنی اول لایحه دولت این بوده که اوراق قرضه جدید منتشر شده و جایگزین اوراق قرضه قبلی بکند. در کمیسیون برنامه و بودجه پیشنهادی که کردند. تغییر ماهوی به آن داده و آمده گفته سهام کارخانجات را بفروشند. اصلاً یک موضوع دیگر است. و برای آن باید یا لایحه بیاید یا طرح بیاید. به اینصورت که اصلاً اسکلت لایحه کلاً عوض بشود و یک چیز دیگر بشود. این کار خطرناک است. یک لایحه‌ای را دولت می‌آورد و روی آن فکر کرده، پیش بینی کرده، نمایندگان هم روی آن نظر میدهند، اول هم لایحه بین نمایندگان توزیع میشود، بعداً کمیسیون بیاید تغییر کلی در آن لایحه بدهد و اصلاً انتشار اوراق قرضه مطرح نباشد بلکه بیاید یک سری کارخانجاتی را که همین چند وقت قبل قانون آن در اینجا بحث شدورد شد که تغییری در قوانین شورای انقلاب ندهید. الان به صورت دیگری همین کار انجام خواهد شد. وقتیکه خود دولت در خواست کرده که بابت این بیست و سه میلیارد ریال اوراق قرضه دو و سه ساله جدید منتشر بشود، حالا کمیسیون آمده گفته دولت مکلف است نظر کمیسیون اینجا است که کلاً با نظر دولت فرق دارد. کمیسیون اینجا اعلام میکند که دولت مکلف است تا آخر سال ۶۵

نسبت به فروش کلیه سهام مشمول قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی که طی سالهای ۶۴ تا ۶۷ به سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی واگذار گردیده است. اقدام و از محل وجوه حاصله اوراق گسترش مالکیت واحدهای سزبور را پرداخت نماید.» این خیلی کار خطرناکی است. برای اینکه تمام سهام بند «الف» و «ب» و «ج» باید به فروش برود، یعنی جدا از اینکه کدام شرکت ها و کدام کارخانجات که حالت نوردگرم و سرد یا حالت تقریباً نزدیک به صنایع مادر است، در اختیار دولت بماند، اینجا قید کرده «نسبت به فروش کلیه سهام مشمول» کلیه سهام مشمول و بسیاری از کارخانجات هست که نیاز است در دست دولت باشد، یعنی کار اساسی است که در واقع در صنعت کشور خیلی تأثیر فراوان دارد. سابقه این قضیه بر میگردد به سال ۶۴. یعنی در ۶۴/۳/۲۶ قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تصویب شد. ملاحظه کنید ماده واحده‌ای که الان هست، من میخوانم، در مورد قانون گسترش واحدهای تولیدی «واحدهای صنعتی و معدنی و سایر واحدهای تولیدی که تا تاریخ چهارم اردیبهشت ماه ۶۴ تأسیس شده‌اند و بر طبق مقررات این قانون به صورت شرکت سهامی عام در خواهند آمد مکلفند سهام خود را پس از حسابرسی توسط مؤسسات حسابرسی قابل قبول دولت و ارزیابی دقیق بر اساس ضوابطی که شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی مذکور در تبصره ۶ این قانون تعیین مینماید، در درجه اول به کارگران و کارمندان خود و سپس به کارگران و کارمندان سایر واحدهای تولیدی و کشاورزان و سایر مردم بفروشند.» در اختیار آنها بگذارند. الان گفته آن سهام که چندین دست چرخیده دولت مکلف است تا آخر ۶۵ آنها را بفروشد و آن اوراق قرضه‌ای که در دست مردم است بخرد. و این کار غلطی است، به خاطر اینکه اگر چنین چیزی را که کمیسیون برنامه و بودجه تصویب کرده اگر این را قبول بکنیم بر میگردد به قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران مصوب ۶۱/۴/۸ شورای انقلاب. آنهایی که بند «الف» بودند سهامشان از اوراق قرضه خارج شد. یک تعدادی آن سهام است، خیلی خوب آنها را دولت باید بخرد، باید بخرد نه اینکه سهام بند «الف» بفروشد و وقتی کمیسیون برنامه و بودجه تأیید میکند که «کلیه سهام را دولت موظف است بفروشد» یعنی سهام بند «الف» را هم بفروشد. خوب اینکه درست نیست. چرا؟ شورای انقلاب تصویب کرده در بند «الف» علاوه بر نفت گاز، راه آهن، برق شیلات، که قبلاً ملی شده که صنایع زیر نیز ملی میشوند:

الف - صنایع تولید فلزاتی که در صنعت مصرف عمده دارند. مانند فولاد

مس و آلومینیوم، شامل مرحله نوردگرم.

الف ۲ - ساخت و مونتاژ کشتی و هواپیما و اتومبیل.

تمام آن کارخانجاتی که شامل بند «الف» قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران هست باید از این جدا بشود. این مصوبه کمیسیون برنامه و بودجه سهام بند «الف» را هم به دولت مکلف میکند، بفروش برساند. و حال اینکه، اینجا قبل با قانون شورای انقلاب جزو صنایع بزرگ آمد و جدا شد. یعنی فولاد، مس و آلومینیوم، این صنایع جدا شد که لیستش هم در پیوسته‌های قانون شورای انقلاب هست. از طرف دیگر وقتیکه کمیسیون برنامه و بودجه تصویب کرده که دولت مکلف است کلیه سهام را به فروش برساند و بعد پول آن اوراق قرضه را پرداخت بکند یعنی بند «ب» هم شامل میشود، آن کارخانه‌ای که مال ۶۱ نفر سهامدار بود که از جعفر اخوان و همین جور لاجوردی‌ها و عمید حضور و هراتی و غیر ذلک می‌آید طرخانی و بهبهانی و خسرو شاهی تمام سهام این‌ها را دولت مکلف است بفروشد من نمیدانم آن روز در کمیسیون هم عرض کردم باید کارشناسان بیایند بحث کنند متأسفانه با یک بحث جزئی که قبلاً رویش کار نشده بود آقایان اعضای کمیسیون هم... من یقین خواهم داشت که در شوردهوم حداقل باید اصلاحش کنند. این تغییر ماهوی است نسبت به لایحه دولت و اگر این تصویب بشود خطرناک است و دولت را مکلف کرده‌اید که سهام بند «الف» و بند «ب» قانون حفاظت و توسعه صنایع را بفروشد. حالا این‌ها کدام کارخانجات است. شما ملاحظه کنید که این اوراق مال چه کسانی است. در سال ۶۷ اوراق قرضه‌ای که ما در گردش داشتیم باید این‌ها برگردد صاحبانش معلوم بشود چون اینها بی نام است. حداقل رعایت اصل ۹۴ قانون اساسی بشود، فرض کنید بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران بوده، گسترش آذربایجان بوده، اعتبارات ایران و انگلیس بوده، تمام افراد، بانک داریوش، شهریار تمام اینها سهام داشتند حالا برگشته بیشترین سهام را بانک ملی دارد. حالا اسم افرادی هم

هست که چند صد میلیون تومان اینها سهام داشته‌اند و بعد از انقلاب سهام را فروخته‌اند به افراد مختلف و الان اگر این سهام را از افراد مختلفی که آنها به دستهای دلال فروخته‌اند یک چنین چیزی که کارخانجات بند «الف» و کلیه سهام کارخانجات شامل این قانون را بفروشند و در اختیار این اوراق قرضه بگذارند به نظر من یک خیانت مسلمی است که بایستی توجه بشود که طبق اصل ۹۴ و ۹۵ باشد و نه با این کلیت. اسم افرادی هم هست که در سال ۵۷ که خوب گرفتاری‌های اول انقلاب بوده چند صد میلیون تومان سهام اوراق قرضه داشتند (همین اوراق قرضه که مورد بحث است) که دست به دست کرده‌اند و الان دست افراد دیگر رفته و طبق قوانین موجود میتوانند اینها را طبق اصل ۹۴ برگردانند حتی اگر با لطایف الحیل و حیل‌های قانونی برده باشند دست دیگران. از طرف دیگر من حالا اساسی شرکت‌هایی که در عضویت بورس باقی مانده‌اند من برایتان میخوانم. آن‌هایی که خارج شده‌اند و طبق این مصوبه داخل خواهند آمد گروه صنعتی خاور، شرکت ایران ناسیونال (ایران خودرو) شرکت مفتول سازی ایران، شرکت نورد ایران، نورد ولوله اهواز، شرکت فولادسازی ایران شرکت کشتی‌رانی جمهوری اسلامی، اینها جزو اوراق بورس بوده‌اند که خارج شده‌اند. طبق این میگوید که تمام آن اوراق را، آن سهام را بفروش برسانید یعنی اینها را هم شامل میشود. با این کلیت که کمیسیون تصویب کرده نسنجیده بوده است. من هم به چند تا از آقایان بعداً گفتم که متوجه شدم. اساسی شرکت‌هایی که در عضویت بورس باقی مانده‌اند که الان قانون شاملش میشود. الکتریک ایران رشت است که قانون تعیین مدیر شاملش شده است، توسعه صنایع بهشهر است بند «ب» هست، تولیدی تیغ ایران است بند «ب» است، پارس الکتریک است بند «ب» هست، پشمافی ایران برکاست، چیت‌سازی بهشهر است بند «ب» هست، دوچرخه و موتور سیکلت سازی ایران است، روغن نباتی پارس است بند «ب» هست، بعد سیمان تهران است. سیمان صوفیان است که اینها را واقعاً نمیتوانید سهامش را بفروشید. (رئیس - وقتان تمام است) من معتقدم این را با قاطعیت رأی مخالف بدهید چون آقایان متوجه نبودند چه کردند من استدعا میکنم که این حداقل یا سکوت بماند یا رأی مخالف بدهید و کلاً با لایحه دولت تغییر کرده است. دولت گفته اوراق قرضه را دوباره اجازه انتشار بدهید. آقایان پیشنهاد کرده‌اند که سهام آن کارخانجاتی که پشتوانه اوراق قرضه بوده آن سهام را بفروشید این پول اوراق قرضه را بدهید. اصلاً خود این اوراق قرضه از نظر شرعی دچار اشکال است. مرتباً دارند ربح میگیرند آخر این ربا خوری که بایست جلوگیری گرفته بشود. دو سال متوقف بود سال ۵۷ چند صد میلیون تومان (رئیس - وقتان تمام است) حالا به هر جهت این هم خلاف شرع است و هم با این قوانینی که تا بحال مجلس تصویب کرده مغایرت دارد. من استدعا میکنم با توجه به آن رأی ندهید.

رئیس - بله متشکرم، موافق صحبت کند.

منشی - موافق آقای حمیدزاده.

حمیدزاده - صحبت نمیکنم.

نتیجه استخراج آراء در مورد رأی تمایل مجلس به نخست‌وزیری

جناب آقای مهندس موسوی

رئیس - نتیجه استخراج آراء در مورد رأی تمایل مجلس به نخست‌وزیری جناب آقای مهندس موسوی: مجموع آرائی که در گلدان‌ها ریخته شده ۲۶۱ برگ است. آراء موافق ۱۶۲ برگ است و آراء مخالف ۷۳ برگ است و آراء متمنع ۲۶ برگ بنابراین مجلس به نخست‌وزیری جناب آقای مهندس موسوی رأی تمایل داد (نمایندگان - الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، خمینی رهبر، مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی، مرگ بر منافقین و صدام، مرگ بر اسرائیل)

منشی - آقای عبدالعلی زاده موافق بفرمائید.

عبدالعلی زاده - بسم الله الرحمن الرحیم. سواردی که برادرمان آقای حائری زاده به عنوان مخالف مطرح کردند رئیس برخی از آنها را من اینجا عرض میکنم که عمده‌اش یکی تغییر کلی در لایحه بود که آنچه را که دولت به مجلس تقدیم کرده بود کمیسیون به طور کلی عوض کرده و این را یک اشکال میدانستند. در صورتی که این حسن مجلس و وظیفه مجلس است. اگر بنا باشد که مجلس خودش را در چهارچوب آنچه که دولت میخواهد گرفتار بکند اصلاً معنی ندارد. برای کمیسیون میآید، برای شور اول و شور دوم میآید که تغییر اساسی داده بشود آنچه که کمیسیون کرده مشخص کردن یک سیاست اجرائی بود که این مشکلی را

که دولت دارد چگونه حل بکند. دولت در واقع تقاضای استقراض بانکی را دارد که وقتی نمیتواند اوراق قرضه را پرداخت بکند میخواهد اینها را بانک ملی بکشد یا بخرد. یعنی طلبکارهای متعدد تبدیل بشوند به یک طلبکار آن هم بانک ملی که خود یک نوع استقراض است. در صورتی که کمیسیون میخواهد باری را که روی دوش دولت هست به نحو معقولی روی دوش مردم بگذارد. یعنی مردم را، بخش خصوصی را در اداره مملکت دخالت بدهد، یک دخالت کنترل شده. مسلماً اعضای کمیسیون که بنده یکی از آنها هستم به هیچ وجه موافق با این نیستیم که صنایع مادر و بزرگی که در قانون اساسی مالکیت آنها بایستی در اختیار دولت باشد این را بخواهیم به بخش خصوصی بدهیم یا کنترل نشده بدهیم (حائری زاده - آقای مهندس! متنش همین است) اگر متن آن هم همین است هیچ اشکالی ندارد. شما در شور دوم وقتی آمد در کمیسیون نمیتوانید پیشنهاد بدهید، نمیتوانید حدود تعیین بکنید. یک سیاستی است که کمیسیون به صورت کلی در شور اول مطرح کرده که اگر مجلس این سیاست را قبول بکند به جای استقراض کمک از بخش خصوصی و اداره صنایع مملکت را به دست بخش خصوصی آن هم به صورت حساب شده و کنترل شده تأیید بکند حدودش را میتوانیم در شور دوم بر اساس پیشنهادهایی که خواهران و برادران محترم خواهند داد در کمیسیون تعیین بکنیم. یقیناً آنچه هم که مجلس تصویب بکند با رعایت مفاد صریح قانون اساسی خواهد بود که شورای نگهبان آن را کنترل خواهد کرد. رعایت این که فرمودند آنهاست که الان اوراق قرضه دستشان هست و شاید شامل اصل ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی باشد این هم بایستی در شور دوم اضافه بشود یعنی جزو آن محدودیتی است که میتواند به این اضافه بشود آنچه که اینجا فعلاً مطرح است اصل این سیاست است که آیا بگذاریم دولت برای پرداخت اوراق قرضه استقراض بانکی بکند و به عبارت ظاهری بیاید بانک ملی را طرفدار خودش قرار بدهد. بانک ملی اوراق قرضه را بخرد یا خیر، این همه پول‌های سرگردانی که دست مردم هست و خود برادر مخالفان در صحبت‌هایشان بیشتر روی آن تکیه داشتند که عامل تورم است و شاید یکی از عمده‌ترین عوامل تورم همین پول‌های جاری در جامعه باشد اینها را دولت، با فروش این اوراق قرضه به بخش خصوصی به دست بیاورد و سیاستگذاری بکند، پول‌های در دست جریان مردم را به سوی سرمایه‌گذاری سالم در بخش خصوصی هدایت کردن یعنی همین یا شما بایستی ارز داشته باشید و به مردم بدهید که مردم بیایند ارز شما را بخرند و ماشین‌آلات کارخانه وارد بکنند که این اشکالش هم در این هست که شما نمیتوانید اینها را معمولاً به صورت سهامی عام به صورتی که سرمایه‌داری گذشته تجدید نشود اینها را سازماندهی بکنید. در صورتی که اینجا کارخانه ساخته شده و نیاز ارزی ندارد، شما میتوانید به ریال سهام این را به صورت سهامی عام عرضه بکنید و از تکرار و تجدید نظام سرمایه‌داری گذشته جلوگیری بکنید و در عین حال بخش خصوصی را هم فعال بکنید. به جای این که پول‌هایی که در دست مردم هست بیاید در بازار تجارت صرف بشود و موجب بالا رفتن قیمت‌ها، احتکار و سایر مفسدات عالی این جریان بشود بیاید شما پول مردم را در بخش صنعت جذب بکنید. صنعتی که بجز مدیریت و بجز بار مدیریت کنترل نشده یا به اصطلاح بار مدیریتی که با این قوانین و محاسبات عمومی و اینها برای دولت بسیار مشکل است باز زیادی روی دوش دولت باشد این را به بخش خصوصی بدهید، بخش خصوصی که چون به صورت سهامی عام است، فروش سهامش کنترل شده هست در وهله اول به کارگزارانش فروخته شده. در وهله دوم به افرادی فروخته میشود که مسأله دارند خود به خود خودش زمینه‌ساز رشد بخش خصوصی سالمی است در صنعت ما و باری را که فعلاً روی دوش دولت است سبک‌تر میکنند. این است که بنده خواهش میکنم خواهران و برادران در شور اول به سیاست صحیحی که کمیسیون اتخاذ کرده رأی بدهید، در شور دوم پیشنهادهایی که دارید مانند این که اصل ۹۴ بایستی در مورد مالکین فعلی یعنی طلبکارهای فعلی رعایت بشود یا این که آن صراحت قانون اساسی در مورد در دست دولت بودن صنایع بزرگ و مادر و این که حتی کدام کارخانه فروخته بشود و کدام بماند اینها را در شور دوم در کمیسیون بحث بشود، پیشنهاد داده بشود و یک مصوبه کاملاً سالمی در جهت این سیاست باشد. این است که من مجدداً خواهش میکنم به این سیاست و به کلیات این سیاست رأی بدهید بقیه‌اش را ان شاء الله در شور دوم بررسی می‌کنیم و اصلاح می‌کنیم عرضی ندارم.

رئیس - مخالفی نیست؟ (منشی - خیر) آقای درو تشریف بیاورند.

درو (مخبر کمیسیون) - بسم الله الرحمن الرحیم. من تعجب میکنم از

برادرمان آقای حائری زاده که ای کاش در کمیسیون هم صحبت می فرمودند. چطور شده با این که دو سال شاید این لایحه بیشتر در کمیسیون بوده و گاهی هم بحث شده بعد حالا مسایلشان را اینجا مطرح فرمودند. البته حق ایشان هست اما اگر ما در کمیسیون نظرات ایشان را می شنیدیم چه بسا در سرنوشت لایحه تغییر دیگری میکرد. اما اصل لایحه تعهدات دولت است در هر صورت و نسبت به تعهدات دولت هم هیچکس حرف ندارد و باید یک چاره ای هم برایش اندیشید که تعهدات دولت به هر کیفیت پرداخت بشود. اما این که ایشان فرمودند آن قانون توسعه و حفاظت صنایع و غیره نه، در خود متن قانونی هم که سوخ ۵۴/۴/۱۲ زمان طاغوت تصویب شده اولاً اجازه فروش داده شده که عبارتی که در ضمن ماده واحده آمده این است که: «شورای گسترش مالکیت واحدهای تولید مذکور در تبصره ۶ این قانون تعیین می نماید در درجه اول به کارگران و کارمندان خود» یعنی طبق خود این قانون هم یک چنین حقی را آن شورا دارند و طبق خود مصوبه زمان طاغوت هم این حق برایشان هست «و سپس به کارگران و کارمندان سایر واحدهای تولیدی و کشاورزی و سایر مردم برای فروش عرضه نمایند به طوری که در پایان مهرمه ۵۷ معادل ۹۹٪ سهام متعلق به دولت در واحدهای بخش دولتی به استثنای صنایع مادر، این را هم عرض کنم که در همین قانون هم صنایع مادر و غیره مستثنی بوده و اینها حق ندارند نسبت به صنایع مادر اقدام به فروش و غیره بکنند. بنا بر این، دوسه تا ایرادهای برادرمان آقای حائری زاده یکی نسبت به صنایع مادر و بعضی از صنایع دیگر که طبق تشخیص دولت تمام یا قسمتی از آن در دست دولت باقی خواهد ماند اینها را حق فروش ندارند. این یک پس محدود به کلیه صنایع از این طرف نمیشود. محدودیت دومش این است که فروخته بشود اجازه فروش هم دارند یعنی از نظر قانونی قبلاً قانونش بوده و اجازه فروش دارند. شورای مذکور در تبصره ۶ هم ترکیبش این است «به منظور حسن اجرای تکالیف مقرر در این قانون شورائی به نام شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی مرکب از وزیر کشاورزی و منابع طبیعی، وزیر مشاور، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر دادگستری، وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر صنایع و معادن، وزیر بازرگانی، رئیس کل بانک مرکزی ایران و رئیس اطاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران زیر نظر وزیر امور اقتصادی و دارائی تشکیل میگردد» این هم ترکیب شورا است. «شورا دارای دبیرخانه یا دبیرخانه هائی خواهد بود که مصوبات شورا را اجرا خواهد کرد» این هم پس از نظر شورا. بنا بر این من به ذهنم می آید که برادران محترم و نمایندگان محترم به اصل این لایحه رأی بدهند. واقعاً پیشنهادهای اصلاحی چه خود وزارت اقتصاد و دارائی داشته باشد، متأسفانه آن روزی که این لایحه در کمیسیون اخیر بحث میشده معاونت محترم وزارت اقتصاد و دارائی تشریف نداشتند، میهمان داشتند یا به هر کیفیت بحث نشده اگر اصلاحاتی لازم باشد ما ان شاء الله در شور دوم اصلاحات را به عرض خواهیم رسانید. اضافه بر این که عمده سهام مال خود بانک ها هست و در حقیقت این دادن سهام به خود بانکها است که یا باید ما وام بدهیم و استقراض از سیستم بانکی بگیریم یا نه، خود سهام را که من دقیقاً نمیدانم که تا ۹۹٪ است، فرصت نکردم گزارشی که به من داده اند خدمتان تقدیم بکنم. حالا خود آقای آشنا هم ممکن است توضیح بدهند.

رئیس - بلی، دولت صحبت کند.

امیراصلاحی (معاون امور بانکی وزارت امور اقتصادی و دارائی) - بسم الله الرحمن الرحیم. در رابطه با لایحه تقدیمی باید بگوئیم دو قسمت دارد. قسمت اول تعهدی است که در مورد یک قانونی که در سال ۵۴ به صورت ماده واحده تصویب شده ۵۴٪ واحدهای تولیدی بخش خصوصی و ۹۹٪ واحدهای تولیدی بخش دولتی باید در وهله اول به کارگران و در وهله دوم به کارکنان و در مرحله سوم به سایر مردم فروخته بشود. ولی در همان جا بنا به اقتضانات وضع خودشان که در این رابطه واقعا در آن موقع هیچ کاری قریباً الی الله صورت نمی گرفته یا واقعاً برای تبدیل به احسن ثروتها بوده یا برای امتیاز دادن به کارگران و شکستن جو جامعه و اما هرچه بوده دولت در آن موقع به این شکل آمده عنوان کرده کارگر که پول ندارد پول بدهد بخرد بنابراین بهتر است که یک سازمان مالی به وجود بیاید که این سازمان مالی اوراق قرضه ای را منتشر کند با تعهد دولت و بی نام. دقیقاً مثل اسکناس و آن سازمان مالی به کسانی که کارخانجاتی طبق قانون موظف هستند که بفروشند بابت بهای آن

کارخانجات به جای پول سهام بدهد و بعد از محل سود این سهام در طی چندین سال بهای اینها واریز بشود و در حقیقت از محل سود کارگران دارای سهام کارخانجات بشوند این اصل قضیه است. بنابراین آنچه که الان مبتنی به است این است که این اوراق با تعهد دولت و امضای وزیر امور اقتصاد و دارائی و خزانه داری کشور بی نام مثل اسکناس منتشر شده و در عوض بهای سهام به صاحبان واحدهای تولیدی داده شده و در بورس فروخته شده و بعضاً چندین دست گشته و الان ترکیبی را که ما داریم از ۲۳ میلیارد حدود ۲۰ میلیاردش دست دستگاههای دولتی است. سازمان تأمین اجتماعی، بانکها، شرکت های دولتی اینها را آورده اند خریده اند. ۳ میلیارد و خرده ای هم دست مردم است. اما آنچه که هست این است که وقتی ورقه ای ارائه میشود که در ذیل آن نوشته دولت بازپرداخت این قبض را در سر رسید تعهد میکند. اما سر رسید گذشته است این گرفتاری مهم است. بنابراین پیشنهاد ما این هست که اصل مشکل مورد تصویب مجلس محترم شورای اسلامی قرار بگیرد که این مشکل بزرگی است، که اوراقی در دست مردم، سر رسید منقضى و راهی برای پرداختش نیست ولی در نحوه پرداخت آنچه را که ما پیشنهاد داریم از طرف دولت و آنچه که کمیسیون محترم اقتصاد و دارائی در اینجا عنوان فرمودند در کمیسیون و در شور دوم مجدداً بحث بشود و به هر حال به آن شکلی که الان کمیسیون پیشنهاد کرده ما صد در صد موافق نیستیم، ولی در اصل قضیه موافقیم که این مشکل حتماً باید برداشته بشود. بنابراین چون میشود که در کمیسیون و در شور دوم به شکلی که از نظر اجرائی هم به اشکالاتی برخورد نکند اصلاحات لازم را در آنجا ارائه کرد و اصلاح کرد پیشنهاد ما رأی به اصل پرداخت اوراق قرضه ای است که عرض شد.

رئیس - ۱۸۲ نفر حضور دارند. آقایان توجه بفرمایند الان شور اول است و آن شبهه ای که آقای حائری زاده فرمودند اگر این شبهه وارد باشد برای این که به طور کلی تغییرات کلی داده شده باید در شور دوم کمیسیون اصلاح بکند. البته تغییرات اصولی حق دارند بدهند ولی کل لایحه نباید تغییر داده بشود. کسانی که با اصل این لایحه، کلیاتش موافق هستند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. یک ربع ساعت تنفس.

(جلسه در ساعت ۱۰/۱۵ به عنوان تنفس تعطیل و مجدداً در ساعت ۱۰/۴۵ تشکیل گردید)

رئیس - بسم الله الرحمن الرحیم. جلسه برای ادامه مذاکرات رسمی است. دستور بعدی را مطرح کنید.

۷ - تصویب کلیات لایحه واگذاری پرداخت حقوق و مزایای

ماهانه وراث شهدای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به بنیاد شهید انقلاب اسلامی

منشی - گزارش شور اول کمیسیون نهادهای انقلاب در خصوص لایحه واگذاری پرداخت حقوق و مزایای ماهانه وراث شهدای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به بنیاد شهید انقلاب اسلامی. مخبر کمیسیون نهادها برای توضیح بیایند.

رئیس - مخبر کمیسیون نهادهای انقلاب یا مخبر کمیسیونی که گزارش داده است؟

منشی - گزارش را کمیسیون نهادهای انقلاب داده است.

عوض زاده (مخبر کمیسیون) - بسم الله الرحمن الرحیم. گزارش از کمیسیون نهادهای انقلاب به مجلس شورای اسلامی. لایحه واگذاری پرداخت حقوق و مزایای ماهانه وراث شهدای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به بنیاد شهید. شماره چاپ ۵۸۲، طی جلسات متعدد کمیسیون نهادهای انقلاب با حضور مسؤول اجرائی ذریعاً مورد بررسی قرار گرفت و با اصلاحاتی به شرح نسخه پیوست به تصویب رسید.

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون پرداخت حقوق مستمری و مزایای مستمر ماهیانه وراث آن عده از پرسنل ارتش ژاندارمری و شهربانی مشمولین لایحه قانونی مربوط به حقوق مستمری وراث شهدای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۵۹/۳/۲۴ که شورای انقلاب و کارمندان کشوری که بعد از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی شهید یا مفقود شده یا میشوند به میزانی که قوانین و مقررات مربوطه مقرر میدارد به بنیاد شهید انقلاب اسلامی محول میگردد.



تبصره ۱ - در صورتی که میزان این وجوه کمتر از مبلغی باشد که بنیاد شهید انقلاب اسلامی برابر ضوابط خود به وراثت سایر شهدا و مفقودین پرداخت میکند مابه التفاوت آن را به شمولین این ماده واحد نیز پرداخت خواهد کرد.

تبصره ۲ - اعتبار مربوط از تاریخ مذکور از بودجه وزارتخانه ها و سازمان های ذیربط کسر و به اعتبار بنیاد شهید انقلاب اسلامی اضافه خواهد شد.

تبصره ۳ - ارتش و شهربانی و ژاندارمری مکلفند پس از احراز شهادت و تعیین وراثت شهدا و مفقودین و میزان حقوق مستمری آنان و انجام سایر امور مربوطه برابر قوانین و مقررات جاری نیروهای مسلح مراتب را به منظور برقراری حقوق و مزایای مستمر ماهانه به بنیاد شهید انقلاب اسلامی اعلام نماید.

تبصره ۴ - انجام خدمات رفاهی و برقراری امتیازاتی که به موجب قوانین و مقررات استخداسی موجود به این قبیل مستمری بگیران تعلق میگیرد کماکان به عهده دستگاه متبوع این گونه کارمندان خواهد بود و در صورتی که بنیاد شهید انقلاب اسلامی خدمات رفاهی بیشتری را به وراثت سایر شهدا و مفقودین ارائه نماید مستمری بگیران مذکور نیز از آن بهره مند خواهند شد.

تبصره ۵ - آئین نامه اجرائی این قانون توسط بنیاد شهید انقلاب اسلامی با هماهنگی وزارتین دفاع و کشور و سازمان امور اداری و استخداسی کشور تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

با توجه به این که در این لایحه تقدیمی که الان در دستور کار هست مخالفی ثبت نام نکرده ولی با توجه به این مسأله من یک مقدار توضیح در اینجا میدهم تا این که قضیه یک مقدار روشن بشود. از مشکلاتی که الان دستگاه های اجرائی دارند یکی از مشکلات پراکندگی کارهایی است که یک کار را چند دستگاه انجام میدهند. برای این که این پراکندگی در بنیاد شهید هم که وجود دارد از بین برود قبل از این در دوره اول مجلس طرحی تهیه شده بود که بیاید و سایر شهدائی را که در اینجا هستند همه را بیاورند زیر نظر بنیاد شهید که بعداً به خاطر این که این طرح یک مقدار کامل تر و دقیق تر صورت بگیرد این را نمایندگان محترم در دوره اول تقدیم مجلس نمی کنند و واگذار میشود این که این طرح از طرف خود وزارت دفاع انجام بگیرد تا این که توسط دستور ریاست شورای عالی دفاع جناب آقای خاسنه ای به وزارت دفاع از طرف وزارت دفاع این لایحه تهیه میشود و تقدیم مجلس میشود. در کنار این هم غیر از خانواده های ارتش ما سایر خانواده های دیگری در سازمان های دیگر داشتیم که این ها هم باید وضعیتشان مشخص میشد که با توجه به این مسأله این موضوع در این لایحه هم گنجانده شده تا این که این قضیه هم یکسره بشود. اما دلالی که در اینجا کمیسیون برای تصویب این طرح داشته این هست. یکی مشکلات خانواده های شهدای ارتش و دوم مشکلاتی که بنیاد شهید در کارهای اجرائی برای رسیدگی به مشکلات خانواده ها به طور کلی با آن دست به گریبان هست. مشکلات خانواده های ارتش تقریباً این جور هست که من نمونه آن را در اینجا ذکر میکنم و آن قطع حقوق خانواده ها برای مدتی از طرف دادگاه برای مشخص شدن وراثت شهدا با توجه به این مسأله اکثر خانواده های شهدا یا هر کس دیگری که میخواهد به جبهه اعزام بشود با توجه به تعرفه هایی که از طرف ارتش در اختیار آنها گذاشته میشود مشخص میشود که چه کسی بعد از این خانواده به عنوان وارث محسوب میشود که در این موارد بعضی از مواقع اشکالاتی برخورد میکنند و خود وراثت شهدا با همدیگر اختلافاتی که طبعاً هم وجود دارد ایجاد میشود و بعد دادگاه مجبور هست که برای ایامی که مشخص بشود وارث قانونی شهید چه کسی هست. مجبور است که حقوق خانواده شهید را قطع بکند که در این ایام مسلماً یک مقدار مسائل روحی برای این خانواده ها چه از نظر مادی و روحی به وجود بیاید. دوم عدم هماهنگی های پرداخت حقوق خانواده شهدا هست و سوم عدم هماهنگی سایر شهدا در سایر وزارتخانه ها با بنیاد شهید میباشد. در این قسمت عملاً هم ما می بینیم که همه کارهای خانواده شهدا الان چه آنهایی که زیر نظر بنیاد شهید هست و چه آنهایی که در ارتش زیر نظر بنیاد شهید نیستند عملاً همه کارهای آن ها را بنیاد شهید انجام میدهد. به عنوان نمونه همه کارهای فرض بفرمائید در ابتدا برای مراسم تدفین، سالگرد و غیره یا پرداخت حقوق یا سرکشی گروه هایی که از طرف بنیاد شهید تعیین شده برای کلیه شهدا یا موارد دیگر به عنوان کارهای فرهنگی که الان در خود تهران ما می بینیم که بنیاد شهید در هر منطقه ای برای رسیدگی به وضعیت فرزندان شهدا در آموزش و پرورش در هر منطقه دو تا دبستان را اختصاص داده اند برای خانواده شهدا و یا

این که حدود ۵ تا سرویس گذاشتند در کل مناطق که این کارها دیگر وقتی که سرویس میاید اینجا نگاه نمی کند که این خانواده شهید یا این فرزند شهید متعلق به ارتش هست یا سائیرین. یعنی همه کارهای این ها را انجام میدهند و یا کارهای حقوقی که حتی بنیاد شهید برای این که مسائل حقوقی خانواده شهدا به آسانی حل بشود با هماهنگی شورای عالی قضائی شعبه ای از دادگاه مدنی خاص در داخل بنیاد شهید مستقر هست کارها به صورت صحیح و سریع آنجا حل و فصل بشود که در اینجا عملاً ما می بینیم همه کارهای خانواده شهدا در اینجا هست، همه کارها را بنیاد شهید انجام میدهد، منتها تنها کاری هست فقط حقوق خانواده ارتش هست برای این که این دوگانگی از بین برود و این هماهنگی ها به صورت دقیق انجام بگیرد، پیشنهاد شده است که در این لایحه کلیه خانواده های ارتش و سائیرین زیر نظر بنیاد شهید بیاید که با هماهنگی خوب و دقیقی این کار صورت بگیرد.

رئیس - بسیار خوب، مخالف ندارد؟

منشی - خیر.

رئیس - مخالف ندارد آقای سرهنگ افراخته بفرمائید.

سرهنگ افراخته (معاون وزارت دفاع) - بسم الله الرحمن الرحيم، توضیحات کافی را مخبر کمیسیون محترم به عرض رسانند و چیزی که من اینجا اضافه می کنم این است که تا مرحله برقراری حقوق و مزایای خانواده معظم شهدا ارتش این کار را انجام میداد منتها تقریباً ارتش سازمان مجهزی برای کمک به این خانواده نداشت و بالطبع با مشکلاتی این خانواده ها روبرو میشدند و در حال حاضر که بنیاد شهید به این وسعت دارد کمک های زیادی از هر جهت به خانواده ها می کند و برای صیانت و حفظ خانواده ها برنامه های زیادی دارد بررسی های زیادی از سال ۶۲ تا کنون به عمل آمده نتیجتاً هماهنگی کلی در ارتش به وجود آمد که امور شهدا را به بنیاد شهید واگذار بکنند که این لایحه الان حضورتان هست. تقدیم شده و ارتش هم استدعای تصویبش را از محضر محترم مجلس شورای اسلامی دارد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

رئیس - بسیار خوب، ۱۸۴ نفر حضور دارند شورای اول این لایحه را به رأی میگذاریم موافقان با کلیات این لایحه قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. دستور بعدی را مطرح کنید.

۸ - بحث پیرامون کلیات طرح الزام دولت به تدوین و تقدیم لایحه

تعیین تکلیف سازمانهای وابسته به نخست وزیری

منشی - گزارش شور اول کمیسیون کار و امور اداری و استخداسی در خصوص رد طرح الزام دولت به تدوین و تقدیم لایحه تعیین تکلیف سازمان های وابسته به نخست وزیری.

حمیدزاده - من تذکر آئین نامه ای دارم.

رئیس - بفرمائید.

حمیدزاده - بسم الله الرحمن الرحيم، ماده ۷۴ - رئیس مجلس مکلف است وصول کلیه لوایح و طرحهایی را که به مجلس تقدیم میشود در اولین فرصت در جلسه علنی اعلام و به کمیسیونهای مربوط ارجاع نماید. و در تبصره یک آن علاوه بر کمیسیون اصلی به کمیسیونهای دیگری هم ارتباط پیدا نماید. از طرف ریاست مجلس ارجاع داده میشود.

من عرض میکنم این طرحی که برادرها داده اند در کمیسیون اصلی که کمیسیون سازمان های وابسته به نخست وزیری است به عنوان فرعی به آن ارجاع داده شده و به عنوان کمیسیون اصلی به آن ارجاع داده نشده و من چیزی هم با آقای یزدی در این رابطه نوشتیم ولی رسیدگی لازم در این مورد به عمل نیامده و السلام.

رئیس - بسیار خوب الان آقای یزدی در جلسه تشریف ندارند ایشان این اختیار رئیس مجلس را اعمال میفرمایند. معمولاً ایشان به کمیسیونها ارجاع میدهند. من دلیل ایشان را نمیدانم. البته این تذکر وارد به نظر میرسد یعنی این مربوط به کمیسیون نخست وزیری است من هم نظرم همین است. این به کمیسیون کار و امور استخداسی ارجاع شده است.

آقای یزدی لابد به این دلیل ارجاع نموده اند یک طرفش هم چون تشکیلات اداری است، شاید هم اگر در هیأت رئیسه مطرح میشد به هر دو کمیسیون ما میدادیم یعنی دو کمیسیون را، کمیسیون مشترک میکردیم که این کار را انجام بدهند (ناصری) - طرح تغییر تشکیلاتی است و باید به کمیسیون کار می رفت) حالا شور دوم این کار را می کنیم. تذکر آقای حمیدزاده را در مورد شور دوم عمل

می کنیم و ان شاء الله کمیسیون مشترک می کنیم . یادتان باشد این را به هیأت رئیسه بنویسید .

وافی - آقای هاشمی ! گزارش رد هم هست .

رئیس - بلی گزارش رد هم هست . خوب حالا مخبر کمیسیون نهاد های نخست وزیری هم صحبت کند .

موحدی ساوجی - نمیتواند صحبت بکند .

رئیس - به عنوان مخالف که میتواند صحبت بکند . آنها رد کرده اند ؟

منشی - بلی .

رئیس - شما هم رد کرده اید ؟

حمیدزاده - بلی ما هم رد کرده ایم .

رئیس - خوب حالا نظر تان تأمین شده است . البته بی وجه هم نیست . آن اقدام ، به هر حال این تشکیلات دولت است این طور نیست که ما به کلی بگوئیم اشتباه است آقای ناصری بفرمائید .

ناصری (مخبر کمیسیون) - بسم الله الرحمن الرحیم . طرحی که میخواهد مورد بحث قرار بگیرد شماره ترتیب چاپ ۷۳۱ و چاپ سابقه آن ۶۶ است .

گزارش از کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی به مجلس شورای اسلامی . طرح الزام دولت به تدوین و تقدیم لایحه تعیین تکلیف سازمان های وابسته به نخست وزیری که طی شماره چاپی ۶۶ به کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی ارجاع شده بود در جلسه مورخ ۱۱/۴/۶۶ با حضور نمایندگان دولت از وزارت بهداشت ، سازمان تأمین اجتماعی ، وزارت کار ، سازمان اسرارداری و استخدامی و چند تن از امضاء کنندگان طرح مورد بررسی قرار گرفت و به دلیل غیر اجرائی بودن بعضی از سازمان ها و اظهار نظر مجلس در رابطه با بعضی از آنها رد شد اینک گزارش شور اول تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می گردد .

گزارش کمیسیون فرعی ، برنامه و بودجه و تاریخ ارسال گزارش واصل نگردید .

طرح الزام دولت به تدوین و تقدیم لایحه تعیین تکلیف سازمان های وابسته به نخست وزیری .

ماده واحده - دولت مکلف است ظرف مدت ۶ ماه لایحه ای در جهت اجرای اصل ۱۳۴ قانون اساسی مبنی بر تفکیک سازمان های تربیت بدنی ، شکاربانی و محیط زیست ، اسرارداری و استخدامی ، انرژی اتمی و ادغام آن در وزارتخانه ها

و سازمان های ذی ربط تهیه و طبق اصل ۷۴ به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید .

طرحی که الان در خدمت تان هست و بحث میشود من یک توضیح مختصری میدهم چون در جریان اصل مسأله به اعتبار طرحی که قبلا در رابطه با محیط

زیست بود ، مجلس محترم هست . عده ای از سازمان ها بنا به اصل اینکه نخست وزیر و نخست وزیری (این تشکیلات) کارهای نظارتی را انجام میدهد ، وابسته

به نخست وزیری هستند که اینجا اسم برده شده : سازمان تربیت بدنی است شکاربانی و محیط زیست یک چیز هستند اسرارداری و استخدامی است و انرژی اتمی اینها در

حال حاضر زیر نظر نخست وزیر انجام وظیفه می کنند . آقایانی که طرح را امضاء کرده اند منظورشان این است که اینها تعیین تکلیف بشود و وابسته به نخست

وزیری نباشند حالا اگر هم باشند (البته منظورشان این نیست که باشند ، شاید هم هست) منظور آقایان این است که اینها از نخست وزیری منفک بشود و در

وزارتخانه های دیگر ادغام بشود .

دوتا راه برای عمل به خواسته امضاء کنندگان محترم وجود دارد :

یکی اینکه مابینیم بعضی از اینها را وزارتخانه بکنیم که نوعاً خود این سازمان ها این درخواست را مثل محیط زیست این درخواست را دارد ، تربیت

بدنی این صحبت را دارند ، انرژی اتمی به آن کیفیت این بحث را حالا بنده نشنیده ام شاید هم داشته باشند .

پس یک راه این است که اینها را وزارتخانه بکنیم که این راه قابل عمل نیست به خاطر اینکه اولاً مجلس محترم نظرش این نیست که مرتب وزارتخانه ها

اضافه بشود ، بر تعداد وزارتخانه ها افزوده بشود و ثانیاً اینها در حد یک وزارتخانه

نیستند ، اینها هر کدامشان یک سازمانی هستند و در یک محدوده ای عمل می کنند . راه دوم همین است که اینها از نخست وزیری جدا بشود و به یکی از

وزارتخانه ها وابسته بشود .

نمایندگان محترم استحضار دارند که کار نخست وزیر و تشکیلات نخست وزیری ، یک کار استادی و نظارتی است و اما کار وزارتخانه ها کار اجرائی است

و تمام وزارتخانه ها کار اجرائی انجام میدهند . البته بعضی از این سازمان ها که بحث رویش هست و آقایان آورده اند ، ماهیت اجرائی دارند . ماسنکر این معنا نیستیم . اما ماهیت اجرائی شان طوری است که نمیشود به هیچکدام از وزارتخانه های موجود اینها را مربوط کرد . مثلاً انرژی اتمی ، انرژی اتمی کارهایی انجام میدهد که در امر کشاورزی ، در امر برق ، در امر صنعت و امثال اینها .. خوب این را ما به کدام یکی از وزارتخانه ها وابسته بکنیم ؟ به طوری که محیط زیست را وقتی که بحث شد و طرحی هماهنگ با سازمان امور اداری و استخدامی یعنی ما نظر آنها را گرفته بودیم البته طرح بود و آوردیم به خدمت مجلس محترم و کمیسیون هم به عنوان کمیسیون تخصصی در کار تشکیلات مملکت ، نظر موافق هم داده بود . دیدید که بحثی که اینجا مطرح بود ، این بود که آیا این به وزارت کشاورزی مثلاً چرا وابسته بشود ، چرا به وزارت بهداشت وابسته نشود ؟ یا چرا مثلاً به وزارتخانه فلان وابسته نشود ؟ به خاطر اینکه چندتا کار اجرائی در داخل این سازمان انجام میشود و یک مقدار هم کار نظارتی . ماهیتاً بعضی از این سازمانها طوری هستند که نمیشود به هیچکدام از وزارتخانه ها ربط داد که تجربه خیلی نزدیک همان مسأله محیط زیست است و نظر مجلس . مجلس مخالفت کرد و رأی نداد باینکه هنوز هم کمیسیون عقیده اش این است که آن طرحی را که کمیسیون تصویب کرده بود به نفع بود و وضع محیط زیست از حالا بهتر میشد . اما مجلس محترم تشخیص دادند که این جور نیست .

پس بنابراین بعضی از این سازمان ها ولو اینکه تا حدودی ماهیت اجرائی دارند اما طوری است که به هیچکدام از وزارتخانه ها ربط دادنش مشکل است همان طور سازمان تربیت بدنی که کار اجرائی دارد اما در رابطه با کارگرها کار میکند . یعنی وزارت کار یک قسمتش تربیت بدنی دارد آموزش و پرورش قسمت تربیت بدنی دارد . نیروهای مسلح قسمت تربیت بدنی دارد و این سازمان تربیت بدنی را به کدام یکی از این وزارتخانه ها ما وابسته بکنیم که تأمین منظور بشود ؟ ولذا این خواسته هم به این صورت قابل قبول نبود و علاوه بر این ان شاء الله در آینده نزدیک تشکیلات مملکت نوشته شده بر اساس آن تکلیفی که مجلس به دولت کرده ، برادرها مشغول کارند و تقریباً نظرشان را هم داده اند و وضع کلیه این دستگاهها در آنجا مشخص میشود . الان ما می آمدیم و این را تصویب می کردیم به نظر کمیسیون یک چیز لغوی بود . به خاطر اینکه چه چیز را ما میخواهیم تصویب بکنیم ؟ وضع بعضی ها مشخص است و قبلاً مجلس بعضی هایش را رد کرده و ماهیت بعضی هایش هم اجرائی است اما اجرائی در زمینه های مختلف لذا کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی این را رد کرد . کمیسیون وابسته به نخست وزیری هم با زاین را رد کرده . کمیسیون پست و تلگراف و نیرو هم در رابطه با انرژی اتمی این را رد کرده . هیچکدام از کمیسیونها ... (موحدی ساوجی - آقا تصویب کرده) بلی ، ببخشید تصویب کرده درست است چیزی که مربوط به کمیسیون نیرو بوده ، انرژی اتمی بوده که گفتند آقا این نباشد و به این دست نزدیک و بقیه را هر کاری به سرش می آورید بیاورید . خوب اصل داده بودند به کمیسیون نیرو به خاطر اینکه در انرژی اتمی نظر بدند . تربیت بدنی چه ربطی به کمیسیون پست و تلگراف و نیرو دارد ؟ به خاطر انرژی اتمی داده بودند که در آن رابطه هم آقایان رد کردند و گفتند این نه ، و بقیه اشکال ندارد .

پس بنابراین هر سه کمیسیون رد کرده چون به کمیسیون پست و تلگراف

غیر از این ، آنها مربوط نبوده ، انرژی اتمی مربوط بوده که آن را رد کرده . حالا این اجمال مطلب است و بعداً بحثی باشد بنده در خدمت آقایان هستم .

رئیس - مخالف و موافق صحبت کنند .

منشی - آقای هراتی مخالف رد .

حسین هراتی - بسم الله الرحمن الرحیم . مخبر محترم کمیسیون اداری و استخدامی ، مسائلی را مطرح کردند و محور مخالفتشان را دو نکته قرار دادند :

نکته اول اینکه به علت اینکه مجلس محترم قبلاً ادغام سازمان محیط زیست را به وزارت کشاورزی رد کرده ، پس بنابراین این نظر در ارتباط با سازمان

تربیت بدنی ، این نظر در ارتباط با انرژی اتمی ، این نظر در رابطه با سازمان اسرارداری و استخدامی و قس علیها ضائب است . یعنی اگر یک جزئی را که مجلس

رد کرده ، نظر آقایان بر این است که کلس هم رد است . در حالی که اگر خود برادرمان دقت میکردند آنجا اگر مجلس در واقع ادغام سازمان محیط زیست را در

وزارت کشاورزی رد کرد ، نه به عنوان اینکه همچنان این سازمان تحت نظارت نخست وزیری باقی بماند ، بلکه نظر بر این بود که این سازمان تناسب چندانی



این است مخبر محترم کمیسیون فرق بین معنی نظارت و اجرا را حداقل یک مقداری بیشتر تشریح کنند که برای ما روشن بشود. یا مسأله سازمان انرژی اتمی. در این مملکت مسؤول انرژی وزیر نیرو است. حتی در ارتباط با بعضی از افرادی که آمده بودند در ارتباط با نیروگاه اتمی بوشهر، مذاکراتی انجام بدهند و جهت تکمیلش، همکاریهایی بکنند ما وقتی از وزیر نیرو سؤال می‌کنیم، میگوید اصلاً من روحم خیر ندارد. فقط از مسیر رادیو مسأله را شنیدم. مگر میشود یک کسی مسؤول انرژی مملکت باشد، آن وقت سازمان انرژی اتمی زیر نظر دیگری باشد و پاسخگو هم در برابر مجلس نداشته باشد! یا مثلاً مسأله تربیت بدنی میفرمایند یک قسمتش در آموزش و پرورش است. آخر ما کاری به آن قسمت آموزش و پرورش نداریم ولی هسته اصلی تربیت بدنی سازمانی است که زیر نظر نخست وزیری است و این دقیقاً باید در ارتباط با وزارتخانه باشد، به ویژه اینکه ما میخواهیم به مسأله ورزش، بعد فرهنگی بدهیم و از این بعد، بیشتر روی آن کار کنیم. خوب این لازم است که حداقل زیر نظر وزارت ارشاد برود که در این رابطه میتواند مسؤول و پاسخگو باشد و کارش یک کار فرهنگی باشد.

بنابراین کلیه این سازمان‌هایی که الان زیر نظر نخست وزیر هست تمام این سازمانها کارشان اجرایی است کار هیچکدام، کار نظارتی نیست. چه سازمان تربیت بدنی یا حفاظت محیط زیست. از حفاظت محیط زیست شما اگر سؤالی داشته باشید نمیتوانید در این رابطه مطرح کنید. حفاظت محیط زیست، عرض کردم مجلس اگر رأی نداد به خاطر این بود که می‌گفت خود وزارت کشاورزی باید زیر نظر سازمان محیط زیست بعضی از سائش باشد بنا براین اگر برود در آغوش وزارت کشاورزی، قطعاً بسیاری از مسائل آنجا پیش می‌آید بنا براین خود وزارت کشاورزی فشار می‌آورد که این مسأله را غمض عین کن، چشم‌پوشی کن، مسائل سیاسی و اجتماعی دارد، نادیده بگیر. مجلس نظرش بر این قضیه بود.

بنابراین، این چهار سازمان دقیقاً کارشان کار اجرایی است. و برادرهای عزیز! این خدمت نیست به فردی مثل نخست وزیر در نظام جمهوری اسلامی با ۲۴ تا وزارتخانه با مسؤولیت نظارت، با مسؤولیت هماهنگی، با مسؤولیت برنامه ریزی که ما چهار سازمان دیگری را هم بر دوشش بار کنیم. بگذاریم این سازمانهایی که در ارتباط با سایر وزارتخانه‌ها است، مشخص و معین بشود و نخست وزیر بتواند در نظام به آن کار اصلی‌اش که هماهنگی و برنامه ریزی و تعیین خط مشی است، بپردازد.

بنابراین، این مسأله خیلی روشن و بدیهی است و عرض کنم بعضی از برادرانی که در کمیسیونهای وابسته بودند هیچگونه دلیلی در این رابطه نداشتند دلیلی هم که خود سازمان امور اداری و استخدامی آورده، یک دلیل ناقصی است. استناد کرده به آن مسأله حفاظت محیط زیست که قضیه‌اش مشخص است و گفته که بعضی از اینها غیر اجرایی است در حالی که اگر برادرمان اعتقاد دارند که کار اینها، کار غیر اجرایی است من استدعا می‌کنم یک نگاه ساده‌ای به اساسنامه این چهار سازمان بیندازند، ببینند آیا کار اینها، کار نظارتی است و یا اجرایی است؟

بنابراین ارائه این لایحه در جهت قانونمندی است، در جهت این است که بار نخست وزیری سبکتر بشود و به کارهای اساسی و حیاتی و برنامه ریزی مملکت بپردازد و در جهت این است که مجلس بتواند آن نظارت خودش را در ارتباط با این دستگاهها و وزارتخانه‌ها به نحو احسن انجام بدهد و السلام.

رئیس - موافق رد صحبت کند.

منشی - آقای عبدالعلی زاده موافق رد.

عبدالعلی زاده - بسم الله الرحمن الرحيم. در رابطه با این موضوعی که طرح مطرح کرده من میخواهم این را عرض کنم که برادرهای نماینده وقتی صحبت می‌کنند حتی در نطق‌های پیش از دستور هم دولت را محکوم می‌کنند که چرا لایحه‌های هشت من و شاهی آوردی، وقت مجلس را تلف کردی؟ بعد وقتی خودشان وارد عمل میشوند که طرح بیاورند، این طرحشان هم آن جوری از آب درمی‌آید. ما در این مملکت یک نظام اداری داریم که از اثاریه‌های شوم طاغوت است همه هم به آن حمله می‌کنند، همه هم با آن شوخی می‌کنند اگر شما این نظام را قبول ندارید چرا با آن ور می‌روید؟ اگر به قول حضرت آیت الله العظمی منتظری در این مملکت باید انقلاب اداری بشود چرا شما با کارهای مسکن وار روزانه و وقت مجلس

با وزارت کشاورزی ندارد. ولی اگر این سازمان بخواهد به وزارت بهداشت برود ما تأیید می‌کنیم کلیه صحبت‌های مخالفین و موافقین محترم را استدعا می‌کنم که یک بار دیگر برادرمان ای کاش ملاحظه می‌فرمودند، می‌دیدند محوره‌های اساسی مخالفت روی قضیه است. و روی این نیست که مثلاً فرض کنید این سازمان برخلاف نظر تفسیر شورای محترم نگهبان که نخست وزیر مسؤولیت اجرایی در نظام ندارد، همچنان زیر نظرش بماند.

نکته دوم جالب هست که آورده‌اند که بعضی از این سازمان‌ها غیر اجرایی هستند و بعضی اجرایی. خوب حداقل آن سازمان‌هایی که غیر اجرایی بود شماردمی-کردید و آن سازمان‌هایی که اجرایی بود، تصویب می‌کردید. بنابراین خود شما در اینجا آمدید مسأله رابطه شکلی مطرح کردید که حداقل کمیت ۷۰٪ قضیه‌نگار است. ضمن اینکه در توضیحات خودشان، ایشان مطرح کردند که نخست وزیری یک کار ستادی و نظارتی انجام میدهد و وزارتخانه‌های مختلف کارشان، کار اجرایی است. بنابراین مطالبی که ایشان در این رابطه مطرح کردند واقعاً جای سؤال هست.

نکته بعد این است که ما علاوه بر آن که باید یک سری طرحها و لوایح اساسی داشته باشیم باید نظام جمهوری اسلامی را به سمت قانون مندی به حرکت در بیاوریم و سعی کنیم که کارها در چهار چوب و ضوابط قانونی و مسؤولیت‌های مشخصی که قانون اساسی برای ما مطرح کرده به آن سمت حرکت کند. حالا اینها لایحه‌های اساسی نیست ولی یک لایحه‌های اصلاحی هست که نیاز هست که در این رابطه مسؤولیت مشخص بشود.

در ارتباط با این مسأله انگیزه این بود که برادرهایی در مجلس طرحهایی ارائه میدادند در ارتباط با سازمانهای مختلف یک عده‌ای می‌گفتند که تربیت بدنی باید زیر نظر وزارت ارشاد برود. یک عده‌ای می‌گفتند انرژی اتمی باید زیر نظر وزارت نیرو برود. یک عده‌ای می‌گفتند سازمان امور اداری و استخدامی باید زیر نظر وزارت برنامه و بودجه برود و همین جور سازمانها را می‌گفتند در رابطه با این تفسیر شورای محترم نگهبان این سازمانها جذب وزارتخانه‌ها بشود تا نهایتاً مسؤول و پاسخگو در این رابطه داشته باشد، جمعی از برادرها نشستند و گفتند به جای اینکه این طرحهای متفرق و پراکنده بیاید و وقت بگیرد، ما خود دولت را که در زمینه الحاق اینها به وزارتخانه‌ها، صاحب نظر هست، بیشتر اعداد و ارقام و تناسبش در اختیارش هست یک طرح جامعی تهیه کنیم که دولت در یک مدت زمانی معقول و منطقی موظف باشد که در رابطه با این سازمانها نظرش را اعلام بکند.

بنابراین انگیزه این بود که دقیقاً در رابطه با تفسیر شورای محترم نگهبان مشخص بشود که این سازمانها باید زیر نظر چه وزارتخانه‌هایی باشد. ما الان در ارتباط با بعضی از سازمانها واقعاً برادرها، برای ما سؤال مطرح است ما در ارتباط با انرژی اتمی سؤال داریم، در رابطه با تربیت بدنی سؤال داریم، در رابطه با سازمان امور اداری و استخدامی سؤال داریم، در رابطه با محیط زیست سؤال داریم ولی کسی برای این سؤالها پاسخگو نیست. شورای محترم نگهبان اعلام فرمودند که نخست وزیر در برابر مجلس پاسخگوی سؤالات نخواهد بود. حالا چه کسی میخواهد به این سؤالات ما پاسخ بدهد؟ می‌گویند خوب آقا شما بروید استیضاح بکنید. آخر برای یک سؤال ساده‌ای که هم نماینده روشن میشود، هم از پشت این تریبون همه ملت آگاه و روشن میشود، این چه ضرورت دارد که آدم بخواهد به استیضاح متوسل بشود. با یک سؤال ساده میتواند قضیه را حل کند. لذا الان با ارتباط این چهار تا سازمانی که وابسته به نخست وزیری است ما هیچگونه نظارت و هیچگونه اشرافی و حتی حق یک سؤال ساده را در این رابطه نداریم من تعجب میکنم مخبر محترم کمیسیون میفرمایند اینها اجرایی نیست. انصاف قضیه این است که سازمان امور اداری و استخدامی در این مملکت کار اجرایی نمیکند، فقط کار نظارتی می‌کنند؟ این راحتی در تبصره‌های بودجه امسال خودمان آوردیم که اگر سازمانها بخواهند استخدامی انجام بدهند قبلاً باید نظر تصویبی سازمان امور اداری و استخدامی را بگیرند. این کار اجرایی نیست؟ سازمان امور اداری و استخدامی در شورای حقوق و دستمزد هست، رأی میدهد که این حقوق و دستمزد بالا برود، این کار اجرایی نیست؟ سازمان امور اداری و استخدامی را شما موظف کردید که یک کار اجرایی انجام بدهد و نظام اداری مملکت را طرح بدهد، این کار اجرایی نیست، این کار نظارتی است؟ واقعاً من استدعا می‌

اسم سازمان برنامه و بودجه را کردید وزارتخانه؟ حالا امور استخدامی آن را هم بگیرید. اصلاً از نخست وزیری دیگر چه می‌ماند؟ این برادرهایی که طرح را داده‌اند لیست سازمانهایی که در نخست وزیری غیر از اینهایی که گفتند جدا بشود، هست این را ارائه بدهند. موافق بعدی که صحبت می‌کند من خواهش می‌کنم بگویند بینیم چند سازمان دیگر می‌ماند در نخست وزیری، اگر اینها هم بروند. شما می‌خواهید نخست وزیری چه داشته باشد؟ بی‌کاری که بگوئیم خوب، حالا منتظر باش تا نظام اداری جدید بینیم به تو چه می‌دهد. این است که من به صورت جمع بندی عرض می‌کنم که اولاً چون شرح وظایف تمام وزارتخانه‌ها به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است بنابراین ادعای اینکه این سازمان در قالب فلان وزارتخانه می‌تواند معنی داشته باشد یک ادعائی است بر اساس شرح وظایف گذشته آن وزارتخانه. که در این مملکت هنوز قانونی نیست. حتی در گذشته هم به تصویب مجلس گذشته نرسیده و به صورت آزمایشی عمل شده است.

ثانیاً شما بجای اینکه دولت راهول بدهید دولت را کمک بکنید چرخهایش را روانتر بکنید در جهت تهیه نظام اداری جدید، با مطرح کردن اینها غیر از این که وقت دولت را صرف جابه جایی‌هایی که هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت، در آخر و احتمالاً همین جابجائیها با زورزی به عکس برگردد کار دیگری نکرده‌اید. بنا بر این بیائید کمک بکنید کمیسیونی را که خود برادرها و خواهرها افرادش را از مجلس تعیین کردند و سازمان امور اداری و استخدامی کارش را شروع کرده و حتی من عقیده‌ام بر این است که مجلس یک کمیسیون ویژه نظام اداری تشکیل بدهد که به صورت مرتب و پیگیر، مسأله انقلاب اداری را پیگیری بکند بهتر از این است که به اینها رأی بدهیم و دولت را وادار بکنیم که یک سری تغییر و تحولات دنباله‌داری را در وزارتخانه‌ها پیش بیاورد و آخر سر هم معلوم نشود که واقعاً آنچه تغییری که امروز داده شده است در جهت آن نظام اداری مطلوب جمهوری اسلامی هست یا خیر. این است که از خواهرها و برادرها تقاضا دارم این طرح را رد نکنند و من بعد هم یک چنین طرحهایی نیاید و دولت هم یک چنین لایحه‌ای را نیاورد بلکه همه بسیج بشویم و برویم به طرف تدوین نظام اداری جدید جمهوری اسلامی عرضی ندارم.

رئیس - مخالف رد صحبت کنند.

منشی - آقای احمدوند به عنوان مخالف رد بفرمائید.

احمدوند - بسم الله الرحمن الرحيم. طرحی که الان مورد بحث است این است که دولت تکلیف سازمانهای وابسته به نخست‌وزیری را روشن بکند. کمیسیون کار که این طرح را رد کرده است دلایلی آورده و جناب آقای مخبر کمیسیون هم توضیح دادند و جناب آقای عبدالعلی زاده هم به عنوان موافق این رد صحبت کردند. در مجموع فرمایشات آقایان این بود که برویم به سراغ تشکیلات منسجم اداری یا اینکه این کارها را الان نیشود انجام داد به دلیل این که تکلیف بعضی از سازمانها روشن نشده و بعضی از آنها هم سازمانهایی است که کارشان اجرائی نیست و از این موارد. همه این مسائل اگر بجای خودش درست باشد ما باید نگاه بکنیم به قانون اساسی که سر فصل زندگی سیاسی ما است. قانون اساسی را وقتی که ملاحظه می‌کنیم در اصل صد و سی و چهارم وظایف نخست وزیر را تعیین می‌کند و می‌گوید: «ریاست هیأت وزیران با نخست‌وزیر است.» این یک مسؤلیتی است که قانون اساسی به عهده نخست وزیر می‌گذارد. و این ریاست را در بعد نظارت بر کار وزیران و اتخاذ تدابیر لازم و هماهنگ ساختن تصمیم‌های دولت، این «نظارت» و «ریاست» را که اعمال می‌کند برای هماهنگی در بعد اجرائی کار وزراء و کابینه‌ای است که در اختیار دارد. شما در این قانون اساسی و این موادی که مربوط به نخست وزیری و دولت است جایی برای سازمانهای وابسته به نخست وزیری نمی‌بینید. ما هستیم و این قانون اساسی. و باید مملکت و نظام کشور را بر اساس این قانون اساسی اداره بکنیم. این قانون اساسی جایی برای سازمانها پیش بینی نکرده و کار نخست وزیر را مشخص می‌کند در رابطه با کارهایی است که کابینه انجام می‌دهد. وزارتخانه‌های مختلف انجام می‌دهد و ریاست بر اینها و هماهنگی اینها. این سازمانهای نخست وزیری که کار اجرائی می‌کنند خیلی هایشان، شکی نیست اینها هر کدامشان وابسته به یک وزارتخانه‌ای یا جای مشخصی باید باشند.

را گرفتن و دولت را هر روز به یک شکلی در قبال نظام اداری قرار دادن باعث میشود که این انقلاب اداری دیرتر انجام بگیرد؟ نظام اداری که سر و ته آن معلوم نیست و به همه جایش ما اشکال داریم، بعد می‌آئیم می‌گوئیم نخست وزیرش فلان سازمان را نداشته باشد. نخست وزیری آنچه که مانده دو قسمت است: یک قسمت از سازمانهایی که وابسته به نخست وزیری است و همین الان هستند بایستی مشخص بشوند که اینها واقعاً ابزار دست نخست وزیر هستند. نخست وزیری که به این شکل باقیمانده. آن نخست وزیری نیست که تشکیلاتش در قانون اساسی پیش بینی شده. آن قسمتی که با آن وظایف که در قانون اساسی مطرح است و می‌خواند این را مشخص بکنیم. و قسمتی را هم که با آن نمی‌خواند باید مشخص کرد. بعد وزارتخانه‌هایی که میتوانند این قسمت دوم را تحت پوشش قرار بدهند. مشخص بشود. شما چند تا وزارتخانه دارید که شرح وظایفش به تصویب مجلس رسیده؟ فقط دو تا وزارتخانه: وزارت امور خارجه که تصویب شده و وزارت ارشاد اسلامی که در دستور مجلس است. شرح وظایف هیچکدام از وزارتخانه‌های دیگر به تصویب این مجلس نرسیده که شما می‌خواهید سازمانی به آن اضافه بکنید یا کم بکنید. شما وقتی شرح وظایف وزارت بهداشتی در جمهوری اسلامی را تدوین کردید و مجلس تصویب کرد آن وقت میتوانید بگوئید که آیا محیط زیست میتواند در داخل این وزارتخانه باشد و یا خیر و همین طور سایر وزارتخانه‌هایش. سازمان امور اداری و استخدامی را برادرها می‌گویند یک سازمان اجرائی است چون نامه مینویسد، چون فلان جا نظر میدهد، چون فلان جا بهمان می‌کند. من هم می‌گویم پس دفتر نخست وزیر هم یک دفتر اجرائی است چون بالاخره به وزارتخانه‌ها جواب میدهد بالاخره وقتی که دو تا وزارتخانه اختلاف پیدا می‌کنند این نخست وزیری است که حرف نهائی را می‌زند پس خودش یک دستگاه اجرائی است. دفتر نخست وزیری را هم ببرید زیر نظر وزارت کشور، منشی نخست وزیر را هم ببرید زیر نظر فلان وزارتخانه. یک نخست وزیر تنها بماند. بیائید مشخص بکنید اگر میخواهید در کل نخست وزیری حرف بزنید و سازمانهایش را از آن بگیرید؟ مشخص کنید که چه میخواهید به این بدهید؟ و این زمانی مشخص میشود که شما بگوئید وزارتخانه‌هایتان چه هست؟ چند تا وزارتخانه دارید و هر وزارتخانه وظیفه‌اش چه هست؟ آن وقت نخست وزیر برای هماهنگی اینها باید چه کار بکند؟ این ترکیب نظام اداری را ما قبول نداریم، آن وقت ما برویم با شاخ و برگش بازی می‌کنیم. هم وقت مجلس را تلف می‌کنیم و هم خود دولت را وادار به سرگیجه می‌کنیم. شما دولت را موظف کردید طرح نظام اداری را بیاورد. الان هم خوشبختانه سازمان امور اداری و استخدامی شروع کرده و با همکاری نماینده‌ها هم هست. در همین کمیسیون طرحها و لوایح خود شما برادرها و خواهرها نماینده انتخاب کردید رفته‌اند با آنها نشستند، یک کار مستمری را شروع کرده‌اند اجازه بدهید این کار پخته بشود به مجلس بیاید و مجلس تکلیف نظام اداری را روشن بکند. حالا شما آمده‌اید می‌گوئید سازمان امور اداری و استخدامی یک سازمان اجرائی است آمدند و در نظام اداری جدید یک سازمان امور اداری و استخدامی پیش بینی کردند، شرح وظایفش طوری شد که یک تشکیلات اجرائی نشد، یک تشکیلات نظارتی شد، هماهنگ کننده شد. آن وقت شما باز هم این را برمیگردانید زیر نظر نخست وزیری. این بده و بستان‌ها چه خیری برای این مملکت دارد؟ نهایت این است که شما سه تا چهار تا سؤالتان بلا جواب است مگر شما از این همه سؤالاتی که شده، این همه ناراحت سؤال هستید به کجا رسیده؟ ما آمدیم از آقای وزیر کشور سؤال کردیم، محکوم هم شد، کمیسیون هم به نفع ما رأی داد، چه شد؟ اینجا هم خود آقای وزیر گفت آقا نتیجه‌اش با کرام الکاتبین است. خوب چیست؟ این همه حرص و جوش سؤال را می‌زنیم که مثلاً از محیط زیست ما یک سؤال بکنیم و از تربیت بدنی سؤال بکنیم که چرا تیم فوتبال فلان جا فلان شده. با این وضع به کجا میخواهیم برسیم؟ الا اینکه شما تحول اداری را که در این مملکت بایستی رخ بدهد، آن دمل چرکینی را که در وجود انقلاب فعلاً هست و بایستی درمان بشود، دیرتر می‌کنید. مسکن به آن می‌زنید که درد را نفهمیم که مسأله را نفهمیم از این طرف هم وقت مجلس تلف شده. این است که من خواهش میکنم برادرها و خواهرها توجه کنند این مسائلی که مطرح میشود که فلان سازمان از نخست وزیری گرفته بشود. جای آن چه می‌گذارید؟ نخست وزیر چند تا ابزار دارد که شما یک ابزار خیلی مهمش به



آن نمونه‌هایی که کار اجرائی ندارند مثل سازمان امور اداری و استخدامی که برادرمان آقای هراتی فرمودند که این کار اجرائی است و ما هنوز معتقد بر آن هستیم که این کارش، کار اجرائی نیست و دلیل هم بر این داریم. اینها حداقل روشن بشود که باید چه بکنند؟ به این چند مورد و این چهار سازمان توجه کنند برادران و خواهران، یکی از مواردش سازمان تربیت بدنی است. سازمان تربیت بدنی را منهای همه آن بحث‌هایی که روی آن انجام گرفت که آیا ما به کدامیک از وزارتخانه‌های مان ملحق بکنیم تا بتواند کار خودش را به نحو احسن انجام بدهد و عام باشد. عام باشد یعنی کل مردم مملکت را در بر بگیرد. یعنی سازمان تربیت بدنی مربوط به کارگران تنها نیست مربوط به دانش آموزان تنها نیست بلکه یک موردی است که کل مردم مملکت از دانش آموز و کارگر و بازاری و پرسنل نیروهای مسلح، همه با آن سروکار دارند و باید جهت‌گیری هم داشته باشد و در یک جهت مثبت هم حرکت بکند. و نتایج ارزنده‌تری و بیش از آنچه که قبلاً بوده بدهد. این سازمان تربیت بدنی را الان دولت دارد روی آن کار می‌کند و لایحه‌ای آماده کرده است که به مجلس بدهد. پس لزومی ندارد که ما طرحی بدهیم و دولت را مکلف کنیم که تا شش ماه دیگر تعیین تکلیف برای این سازمان بکند! الان خود دولت مشغول تعیین تکلیف برای سازمان تربیت بدنی است. (این مال سازمان تربیت بدنی).

مسئله شکاربانی و محیط زیست را برادرمان آقای هراتی فرمودند: «چون این قرار بود که به وزارت کشاورزی ملحق شود بنابراین مجلس به آن رأی نداد» شما چه استدلالی دارید که می‌گویند پیشنهاد شد که به وزارت بهداری ملحق بشود و مجلس به آن رأی می‌دهد. این نظر حضرت عالی است و ممکن است نظر عده‌ای هم باشد پس بنابراین مشخص نیست و دلایل قوی هم نداریم که هیچ‌گونه سختی با وزارت بهداری ندارد بلکه سختی با وزارت کشاورزی خیلی بیشتر است کلمه «شکاربانی» و کلمه «وزارت بهداری» را نگاه کنید آیا هیچ سختی با هم دارند؟ یکی دیگر از این سازمانها سازمان امور اداری و استخدامی است. آیا به لحاظ اینکه نماینده سازمان امور اداری و استخدامی در شورای حقوق و دستمزد یک رأی می‌دهد. آیا این دلیل است بر اینکه این دستگاه اجرائی است؟ یا اینکه ما اگر در بحث بودجه تصویب کردیم که دستگاه‌هایی که می‌خواهند استخدام بکنند. باید استخدامشان را با هماهنگی و نظر سازمان امور اداری و استخدامی نیروهایشان را انتخاب کنند و مجوز استخدام بگیرند. آیا این باز هم میشود دلیلی بر اینکه کار سازمان امور اداری و استخدامی اجرائی است؟ چه کار اجرائی می‌کند؟ ای کاش این برادرانی که گفتند اجرائی نیست یک نمونه کار اجرائی آن را مطرح کرده بودند، غیر از این که یک کار ستادی و نظارتی دارد انجام می‌دهد.

و مسئله انرژی اتمی صراحتاً برادران موافق فرمودند که انرژی اتمی باید ملحق به وزارت نیرو باشد وزیر نظر وزارت نیرو. سؤال این است مگر انرژی اتمی تا چند صباحی پیش، وابسته به وزارت نیرو و زیر نظر وزارت نیرو نبود؟ چرا از زیر نظر وزارت نیرو بیرون آمد؟ علتش چه بود؟ یعنی چیزی که وزارت نیرو نتوانست آن را هدایت کند یا صلاح ندانست یا مجلس صلاح ندانست یا هیأت دولت صلاح ندانست که زیر نظر وزارت نیرو باشد. ما الان خودمان بگوئیم که خیر، این حتماً باید به وزارت نیرو ملحق بشود و غیر از وزارت نیرو شما می‌خواهید این را به کدام وزارتخانه‌ای مربوطش کنید؟ یک سازمانی که در رابطه با درمان مملکت مسأله دارد، در رابطه با بهداشت محیط زیست مملکت رابطه دارد. در رابطه با برق مسأله دارد. در رابطه با کشاورزی مسأله دارد. اصلاً خود وزارت نیرو به نظر ما الان زیر علامت سؤال است. شما الان یکی از موارد عمده‌ای که در رابطه با کشاورزی دارید. مسأله آب است. در این مملکت به ما می‌گویند که ما به اندازه کافی زمین داریم آب هم به اندازه کافی داریم. ولی ناهاهنگ بودن این دو مورد بر اشکالات کشاورزی ما افزوده شده است. چه قدم‌های مثبتی وزارت نیرو برداشته است؟ الان نمی‌خواهم وزارت نیرو را زیر علامت سؤال ببرم بخاطر این قضیه ولی یک واقعیت است یعنی می‌خواهم عرض کنم که امروز، مسأله برق، مسأله آب را تحت الشعاع قرارداد است و اگر شما آمدید انرژی اتمی را هم الان در این برهه پر مشغله و پرکار به وزارت نیرو وابسته کردید وزارت نیرو که از پس آب این مملکت بر نیامده و نتوانست آب کشاورزی را در این مملکت بازبینش هماهنگ کند آن وقت چه جوری ما می‌خواهیم یک

این اصل را همه قبول دارند و در قانون اساسی این را نداریم. اما این که جناب آقای ناصری فرمودند. که اینها هماهنگ با بعضی از وزارتخانه‌ها نیستند که ما بشینیم، فکر بکنیم و ببینیم این سازمان را باید به کدام وزارتخانه برد؟ و اینها با وزارتخانه‌های دیگری ارتباط دارند. هر سازمانی باشد طبیعتاً برخورد با یک سری وزارتخانه‌های دیگر هم دارد. الان شما سازمان‌هایی را که تحت پوشش یک وزارتخانه هستند و زیر نظر یک وزارتخانه کار می‌کنند آیا هیچ ارتباطی با وزارتخانه دیگری ندارند؟ قطعاً این چنین نیست. وقتی فکر بکنید و ببینید این طرح به عهده خود دولت گذاشته شده است که برنامه کار دست او است می‌داند دقیقاً روی ارقام و آماری که در اختیار دارد روی ضوابط اجرائی و کاری که انجام داده و می‌داند کدام سازمان تا چه حد وابستگی و ارتباطش با فلان وزارتخانه است. این را که ما نخواستیم بگوئیم که بگوئیم این سازمان حتماً به آن وزارتخانه برود و آن سازمان هم حتماً در این وزارتخانه. خود دولت که تشکیلات دستش است بیاید روی این مسأله فکر بکند و برنامه ریزی بکند و قطعاً به یک جایی میرسد که این سازمان رایه کدام قسمت باید وابسته کرد و این طرحش را به مجلس بیاورد. و این را هم که برادرها هرگاه حرفی می‌شود می‌گویند هنوز منتظریم تا این طرح تشکیلات اداری دولت بیاید مجلس. و حالا نمی‌دانیم این انتظار چه وقت باید به پایان برسد و چه وقت این طرح تشکیلات می‌آید؟ (این یکی از این کارها است) شما حالا ببینید این کار را هم به عهده دولت بگذارید مدتش هم که فردا نیست. اگر دولت قبل از اینکه این کار را خواست بکند طرح تشکیلات اداری اش را آورد در مجلس، و سرنوشت این سازمانها را هم مشخص کرده بود که قبلاً المراد. دیگر دعوائی نداریم. بحث خاتمه پیدا کرده است و اگر نه، کار به همین منوال پیش رفت خوب، یکی از کارهایی که باید بشود این است. این ضابطه‌ای است که قانون اساسی به ما می‌دهد و مسأله دیگر هم که جناب آقای هراتی هم اشاره فرمودند شما که در برخورد با وزراء و در کارهای آنها نظارت دارید و سؤال می‌کنید و در این جا شما از کسی نمی‌توانید سؤال بکنید چون طبق تفسیر شورای محترم نگهبان از نخست وزیر که نمی‌شود سؤال کرد. در این سازمانها اگر مسأله‌ای پیش بیاید از چه کسی می‌شود سؤال کرد؟ جناب آقای عبدالعلی زاده می‌فرمایند: «حالا آنهایی که سؤال کردیم چه شد؟» حالا اگر سؤال‌هایی که کردیم بی نتیجه بود این دلیل میشود که پس اصل سؤال کردن بی نتیجه است؟ قطعاً این چنین نیست؟ اصل سؤالی که مجلس می‌تواند انجام بدهد به عنوان یک اصل است. یک نماینده این حق را قانون اساسی به او داده است حالا اگر به جایی نرسید آنوقت باید رفت گیرهای دیگر را حل کرد و اگر اشکال در جای دیگر است آن را مرتفع کرد به این ادله بنده معتقدم و موافق این هستم که سازمانهای وابسته به نخست وزیر که وجودشان خلاف قانون اساسی است و وضعش روشن بشود و تکلیف آنها مشخص بشود. والسلام.

رئیس - موافق بعدی صحبت کند.

منشی - موافق بعدی رد آقای حائری زاده هستند که حضور ندارند. آقای رحمت‌الله رحمتی به عنوان موافق بفرمائید.

رئیس - آقای رحمتی بفرمائید.

رحمت‌الله رحمتی - بسم الله الرحمن الرحيم. اولاً این طرح از زمره همان لوایحی است که کلیه نمایندگان همیشه از مطرح شدن آن در مجلس منجزند. به لحاظ اینکه ما واقعاً الان اگر فرض بکنید که تا یکی دو ماه چند صباح دیگر یکی دو سال دیگر آن تشکیلات کلی مملکت مشخص نشود و این سازمانها به وزارتخانه‌های خاصی ملحق نشوند چه تأثیر آن چنانی در روند کل انقلاب ما خواهد داشت؟ بنابراین حرف من این است که اگر ما واقعاً آن انتقاد را داریم این طرح را نیز مطرح نکنیم. بعلاوه اینکه این طرح خودش موجب یک گرفتاری برای دولت میشود. دولتی که ما انتظار آن همه کارهای سنگین را در این شرایط پیچیده از او داریم حداقل او را سرگرم یک چنین برنامه‌هایی نکنیم. ثانیاً برادران و خواهران توجه کنند در ماده واحده آمده است. طبق اصل ۱۳۴ قانون اساسی «سببی بر تفکیک سازمانهای...» این چهار سازمان را مطرح کرده‌ایم یعنی تعیین تکلیف در ماده واحده مطرح نیست بلکه مسأله تفکیک مطرح است. یعنی قطعاً دولت باید این چهار سازمان را تفکیک بکند و هر کدام از آنها را را به یکی از وزارتخانه‌ها ملحق بکند اگر حداقل تعیین تکلیف بود. بهتر بود که

وزیر بر آنها نظارت کند، هماهنگی بکند، تعیین خط مشی با همکاری وزرا آنجا معین بشود. پس تعیین تکلیف با تفکیک وظایف و سازمانها هیچ منافاتی ندارد. بعد در رابطه با انرژی اتمی گفتند قبلاً وابسته به وزارت نیرو بود که از آن گرفتند و دادند به نخست وزیر. خوب، شما این اشکال را می‌توانید در مورد بهزیستی هم بگویید. ابتدا وابسته بود به وزارت بهداشتی که از آن گرفتند و یک سازمان مستقلی کردند وابسته به نخست وزیر، دوباره آمدند در وزارت بهداشت ادغام کردند. ما کارمان علی‌الدوام تا کنون که تجربی بوده است (این هم یکی از آنها). اشکال دیگری که مطرح کردند وزارت نیرو که نتوانسته مسأله آب را حل بکند مسأله برق را حل بکند چطور می‌تواند بار انرژی اتمی را که با آن تناسب دارد بگذارد بر دوشش؟ آیا ما امکانات را دادیم به وزارت نیرو که ناتوان بود یا نه؟ اگر ناتوان بود که بعضی‌ها معتقدند نه، در حد مقدرات و امکاناتش انصافاً انجام وظیفه کرده و قوی هم بوده است. امکانات را وقتی به آن بدهیم آنوقت مشخص میشود که آیا توانمند هست یا نه؟ این پاسخ اشکالاتی است که آقای رحمتی داشتند. اما کل موافقت این است:

مسأله قانون مندی یک اصل است. که باید علی‌الدوام در همه لوایح و طرحها موافقت‌ها و مخالفت‌ها مورد توجه قرار بگیرد.

مسأله دیگر این است که اگر ما می‌خواهیم یک سازمانی را وابسته بکنیم به یک وزارتخانه و ببریم در آنجا، تناسب صد درصد نیست، خوب، نباشد اگر تناسب ۶۰٪ هم بود، می‌ارزد که ما این را ببریم زیر نظر وزارتخانه، تا خط مشی‌ها مشخص بشود دوباره کاری‌ها و ده باره کاری‌ها به وجود نیاید. ما که این همه از هزینه بودجه جاری می‌نالیم باید بالاخره یک جایی جلو این هزینه‌های سرسام‌آور را بگیریم. آن جایی که ۶۰٪ تناسب هم بود برود آنجا انرژی اتمی با وزارت نیرو یقیناً تناسبش بیشتر است. برود آنجا تربیت بدنی با وزارت آموزش و پرورش تناسبش بیشتر است. برود آنجا محیط زیست برود زیر نظر وزارت بهداشتی، شکاربانی مثلاً برود زیر نظر وزارتخانه دیگر. بنابراین این رادولت خودش بنشیند، بررسی بکند و ببیند تناسب کدامش بیشتر است.

نکته پایانی این نکته است که حسن این طرح این است که ما به لایحه تشکیلات اداری که در آینده میخواهد بیاید به مجلس. ما با این طرحها جهت می‌دهیم به آن کسانی که این تشکیلات را دارند تنظیم می‌کنند آنها بدانند در آینده باید لایحه تشکیلات اداری یک جوری باشد که ما سازمانی وابسته به نخست وزیر نداشته باشیم یعنی نخست وزیر و همکاران او بتوانند واقعاً... اتفاقاً این طرح دارد کمکی کند به دولت که برسد به کارهای اساسی خودش را گرفتار این مسائل جزئی نکند. نه اینکه عکس آن مطلبی که برادرهای گفتند. مطلب آخر من این است بعضی برادرها گفتند سؤال می‌کنیم. ما به سؤال بهاء سنگین بدهیم. برادرها و خواهران عزیز! سؤال برای این نیست که من فقط بدانم که آیا این کار درست انجام گرفته یا نادرست؟ اتفاقاً سؤال مقدمه استیضاح است. ما به آن نکته هم توجه بکنیم یعنی اگر در سؤال از یک وزیر شد وزیر نتوانست پاسخ قانع کننده بدهد این مقدمه استیضاح است یعنی این وزیر ناتوان است. نمی‌تواند پاسخگو باشد. گاهی خود سؤال فی نفسه و بالذات مطرح است و گاهی به عنوان مقدمه. شما آن طرف را در نظر بگیرید. اگر سؤال نمی‌کردید. کار به کجا می‌رسید؟ نه اینکه بگوییم آقا! سؤالاتی که کردیم چه خاصیتی دارد؟ اتفاقاً بسیار خاصیت داشته و حالا اگر هم اشکالاتی وجود داشته آن مبحث علیحده‌ای است. بنا بر این من شدیداً با رد این طرح مخالف هستم.

هادی - اگر باز هم مخالف و موافق هست چون موقع اذان ظهر است بقیه را بگذارید برای جلسه بعد.

رئیس - اسامی غائبین را بخوانید.

منشی - نداریم.

رئیس - بسیار خوب.

۹ - پایان جلسه و تاریخ تشکیل جلسه آینده و دستور آن

رئیس - جلسه بعدی ما روز سه شنبه ساعت ۸ صبح. دستور جلسه هم بقیه همین دستور و بقیه دستور هفتگی است که اعلام میکنیم.

(جلسه در ساعت ۱۱/۵۰ پایان یافت)

رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی رفسنجانی

بارسنگین دیگری را به دوش وزارت نیرو بیندازیم؟ به علاوه اینکه خود انرژی اتمی باید از یک پشتوانه قوی تری برخوردار باشد تا با دستگاههای مختلفی که مرتبط است بتواند برنامه ریزی و اجرای برنامه بکند بعد به پیش برود.

یک مورد دیگر که در صحبت برادران مخالف رد مطرح بود این بود که ما نمی‌توانیم سؤال بکنیم. من حرفم این است این حق قانونی که نمایندگان دارند برای سؤال کردن مگر غیر از آگاهی و جهت سازندگی آن هست؟ ما نباید الان یک کاری را پیچیده‌اش بکنیم صرفاً به لحاظ سؤال کردن. چرا که شما از مدیر عامل صدا و سیما چگونه سؤال کردید؟ شما اگر موارد را از یک مسؤول دیگر مسلکتی داشتید چگونه سؤال کردید؟ در یک جلسه غیر علنی شما سؤالتان را می‌فرمائید و اگر قرار باشد این سؤالی که کردید به لحاظ مسؤولیتی که مردم به دوش شما گذاشته‌اند و بخواهید مردم هم متوجه باشند که نماینده‌شان در رابطه با فلان مشکل و معضل مسلکتی یا احیاناً خطائی که از فلان دستگاه انجام گرفته، سؤال کرده‌است این سؤال را خیلی راحت ما بتوانیم از رسانه‌های مختلف ابلاغ بکنیم و این کار در اختیار ما است. بنابراین به لحاظ صرف سؤال ما نباید الان یک بار سنگین و یک کار مبهمی را به دوش دولت بیندازیم. و حرکتی که خودمان بارها با آن مخالفت کرده‌ایم الان به عنوان «طرح» در مجلس مطرح کنیم.

بنابراین به لحاظ اینکه الان در این چند مورد یعنی این سه چهار سازمانی که اینجا مطرح است از جمله سازمان تربیت بدنی به صورت یک لایحه الان به نتیجه رسیده است و احیاناً شاید به عنوان اینکه برود زیر نظر وزارت ارشاد (حالا آنچه که من اطلاع پیدا کردم) در هیات دولت مطرح است و در آینده نزدیک در مجلس مطرح خواهد شد. و بقیه آنها یا اینکه کار اجرائی ندارند یا به همین دلایلی که عرض کردم الان طرحشان در زمان حال یک کار صحیحی نیست یعنی شما الان صحیح نیست که به دولت فشار بیاورید که باید حتماً انرژی اتمی را ما وابسته به وزارت نیرو کنیم. چون همین طوری که عرض کردم از وزارت نیرو گرفته شده، وزارت نیرو آن توانائی را در مجموع به لحاظ کار سنگینی که به عهده‌اش هست. نداشته که دیگر این هم باری باشد بر بارهای دیگرش. و بنابراین امروز تصویب اصل این طرح یعنی مخالفت باردش به نظرم به هیچ عنوانی صحیح نیست والسلام علیکم ورحمة الله.

رئیس - مخالف رد؟

منشی - آقای سید رضا اکرمی مخالف رد.

سید رضا اکرمی - بسم الله الرحمن الرحيم. چند اشکال را آقای رحمتی مطرح کردند ابتدا پاسخ میدهم بعد می‌پردازم به اصل طرح. آقای رحمتی فرمودند که «با ادغام نشدن چه نتیجه‌ای خواهیم گرفت؟» جوابش این است. که ما به فضل پروردگار متعال باید کم کم به طرف زمینه سازی جهت اجرای قانون اساسی در تک تک اصولش فراهم کنیم. یعنی زمینه به وجود بیاوریم که کم کم برویم برای اجرای تک تک اصول. و این باعث می‌شود که به هر حال وقتی اصل ۱۳۴ صریحاً می‌گوید که: «کار نخست وزیر نظارت و هماهنگ ساختن و تعیین خط مشی و امثال اینها» است خوب یقیناً نمی‌تواند کار اجرائی انجام بدهد و ما با این طرح می‌خواهیم به تدریج برویم به طرف اجرای این اصل. نکته دیگری که به عنوان اشکال مطرح کردند این طرح باعث میشود که دولت سرگرم مسائل جزئی بشود و نتواند به کارهای اساسی برسد. شما ملاحظه می‌کنید همه لوایحی که در این مجلس، دولت می‌آورد الا بطور ندرت همه‌اش به اصطلاح لوایحی نیست که بگوئیم لااقل اساسی است که ما با این کار دست و پایش را ببندیم. و تعبیر آیت الله منتظری درباره قوانینی که اینجا تصویب میشود. ان شاء الله در ذهن برادرها هست که چگونه می‌باشد.

اشکال دیگری که مطرح کردند. گفتند صدر و ذیل این طرح با هم نمی‌خواند خود طرح می‌گوید، تعیین تکلیف ماده واحده می‌گوید «تفکیک سازمانها» (ظاهراً این ماده واحده از صدر و ذیل کاملاً خوانده نشده است) و می‌گوید:

«دولت مکلف است ظرف مدت شش ماه لایحه‌ای در جهت اجرای اصل ۱۳۴ قانون اساسی مبتنی بر تفکیک سازمانها تا... و ادغام آن در وزارتخانه‌ها» یعنی اصل ۱۳۴ می‌گوید نخست وزیر هیچ سازمان اجرائی نباید زیر دستش باشد و هر وزارتخانه‌ای باید، مسؤولیت آن را داشته باشد که نخست